



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیة معلم
و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و
تألیف کتب درسی

فرهنگ

صنف دوازدهم

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جداً ممنوع
است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.



فرهنگ صنف دوازدهم



سال چاپ: ۱۳۹۰ هـ. ش





وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه معلم

و مرکز ساینس

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و

تألیف کتب درسی

فرهنگ

صنف دوازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۰ ه. ش.

مؤلفان

- عبدالحمید عاطف
- برهان الدین نامق

ایدیت علمی و مسلکی

- دکتور خوش نظر پامیرزاد
- عبدالرووف حکیمی

ایدیت زبانی

- ظهور الله ظهوری

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- دکتور عبدالصبور فخری
- دکتور عنایت الله خلیل هدف
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

کمیته نظارت

- دکتور اسد الله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه معلم و مرکز ساینس
- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژه انکشاف نصاب تعلیمی
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزاین

حمیدالله غفاری

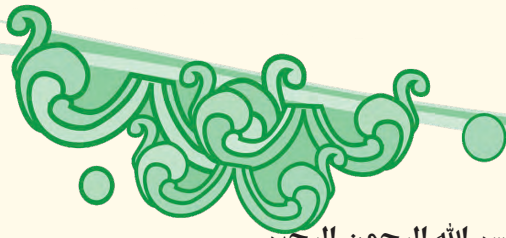


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې، کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو، د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو، د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه یان
دا هیواد به تل ځلېږي	لکه لمر پر شنه آسمان
په سینه کې د آسیا، به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر	وايو الله اکبر وایو الله اکبر



بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

معلمان و شاگردان عزیز!

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعه هر کشور را تشکیل می دهد، نصاب تعلیمی یکی از عناصر مهم تعلیم و تربیه می باشد که مطابق انکشافات علمی معاصر و نیازمندی های جامعه وضع می گردد؛ واضح است که انکشافات علمی و نیازمندی های جامعه همواره در حال تطوّر می باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق انکشاف نماید؛ البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتابی که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، موضوعات علمی مفید در آن اضافه شده، فعال نگه داشتن شاگردان در عملیۀ تدریس جزء پلان تدریس گردیده است. امیدوارم تدریس این کتاب با استفاده از روش های آموزش فعال مطابق رهنمود ها و پلان تعلیمی تعیین شده صورت گیرد و اولیای شاگردان نیز در تعلیم و تربیه با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا اهداف و آرزوهای نظام معارف برآورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای شاگردان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی مسؤولیت های خود را صادقانه ادا می نمایند. وزارت معارف همواره تلاش می نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیار های علمی با در نظر داشت نیازمندی های مُبرم جامعه ما انکشاف نماید. در این عرصه از تمام شخصیت های علمی و دانشمندان تعلیم و تربیه کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود بیشتر تألیف کتب درسی یاری رسانند.

از همه دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند و از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشورهای دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی جدید و طبع و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می نمایم.

و من الله التوفیق

فاروق وردگ

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست

شماره درس	عنوان	صفحه
	فصل اول	
	تجلیل ها و مراسم عبادات	۵
درس اول	سال نو و میلۀ دهقان	۵
درس دوم		
درس سوم	میلۀ	۱۱
درس چهارم	تولد کودکان و جشن ختنه سوری بچه ها	۱۵
درس پنجم	مراسم عروسی	۱۹
درس ششم	تجلیل جشن استقلال و جشن های ملی دیگر	۲۷
درس هفتم	غُرس و مزار	۲۹
درس هشتم	مراسم ماه مبارک رمضان و عیدها	۳۳
درس نهم	مراسم عاشورا و برات	۳۷
درس دهم	شگون های مردم	۳۹
درس یازدهم	مراسم سوگواری و نذر	۴۳
	فصل دوم	
	سرود ها و مطایبه ها	۴۷
درس دوازدهم	سرود ها	۴۷
درس سیزدهم	لطیفه، فکاهی و...	۵۱
درس چهاردهم	طنز	۵۳

۵۵	کنایه و اصطلاح	درس پانزدهم
۵۹	فصل سوم خوراکی ها	
۵۹	انواع غذا ها در وطن ما	درس شانزدهم
۶۳	غذا های رویدادهای خاص	درس هفدهم
۶۷	سمنک	درس هجدهم
۶۹	سفره هفت سین	درس نوزدهم
۷۳	فصل چهارم اقتصاد محلی	
۷۳	انواع اراضی و طریق کاشتن شالی	درس بیستم
۷۹	باغ داری، تولید میوه و جنگلات	درس بیست و یکم
۸۳	سیستم های آبیاری در وطن ما	درس بیست و دوم
۹۱	فصل پنجم شخصیت های مهم تاریخی، هنری و ادبی	
۹۱	ملکه گوهر شاد بیگم و بایسنغر میرزا	درس بیست و سوم
۹۵	خوشحال خان خٔک	درس بیست و چهارم
۹۹	مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی	درس بیست و پنجم
۱۰۳	علامه سید جمال الدین افغانی	درس بیست و ششم
۱۰۷	فصل ششم	
۱۰۷	غازی امان الله خان و محمود طرزی	درس بیست و هفتم
۱۱۱	پروفیسور غلام محمد میمنه گی	درس بیست و هشتم
۱۱۶		مأخذها



مقدمه

شاگردان عزیز!

شما در صنوف دهم و یازدهم در بارهٔ فرهنگ موضوعات مفیدی را خواندید و دانستید که: فرهنگ یک قوم، جامعه و یا یک ملت، مجموع هستی مادی و معنوی آن، و مجموع این فرهنگ پدیده‌های هویت ملی آن قوم است و عناصر عمدهٔ فرهنگ از جهت مادی نمونه‌های معماری، کاشی کاری، نقاشی، خوش نویسی، حکاکی، خاتم کاری، هیکل تراشی، دوزنده گی، گلدوزی، زرگری، انواع بافنده گی و بسیاری دیگر از اینگونه هنرها و صنایع ظریف.

و از جهت معنوی باور ها و اعتقادات مردم، اسطوره ها، افسانه ها، شگون ها، روایات، ضرب المثل ها، سرود ها، فکاهیات و طنز ها، اشعار رزمی و امثال آن که همه محصول تخیل، آرزو، تعقل، ابتکار و ادراک جمعی مردم است و معرف معیار های زیبایی شناسی، عادات و مهارت های مردم می باشد، که به قسم میراث و سرمایه های مادی و معنوی از اسلاف به اخلاف منتقل گردیده است.

فولکلور که جزو عمدهٔ فرهنگ را تشکیل می دهد، واژهٔ انگلیسی است و ریشهٔ ژرمانیک دارد و از دو جزو «فولک» به معنای مردم و «لور» به معنای حکمت، خرد و دانش است. که فرهنگ جمعی مردم را مطالعه می کند.

فرهنگ ((فولکلور)) ما شامل ابعاد گوناگون می شود، یکی از آن ابعاد فولکلور سنن و عنعنات مردم می باشد و آنچنان که هست باید جمع آوری، ثبت و حراست گردند، مانند:

اسطوره ها، افسانه ها، ضرب المثل ها، اشعار رزمی و حماسی، سرود ها، دوبیتی ها، مطایبه ها، بینش ها، روایات و بسیاری دیگر از این نوع.

بخش دیگر فولکلور عبارت از رسم و رواج هاست، مانند:

مراسم (سال نو، عروسی، عزاداری، جشن ها، عاشورا، برات، عرس ها، روش پختن خوراکه ها، مهمان نوازی)، انواع البسه، سیالداري ها و صد ها نوع و نمونهٔ آن که در طول زمان های گذشته نظر به شرایط اجتماعی دگرگونی هایی را شاهد بوده تا به ما رسیده است. هم اکنون فرهنگ مردم ما در اثر گسترش اطلاعات جمعی تحت تاثیر فرهنگ های

وارداتی و بیگانه قرار گرفته است.

به یقین بزرگان، روحانیون، استادان مدارس و پوهنتون ها و وزارت اطلاعات و فرهنگ به این معضله متوجه هستند و فرهنگ اصیل افغانی و اسلامی ما را با اقدامات مؤثر حراست می کنند.

بعد سوم فرهنگ ما عبارت از هنر ها و صنایع مستظرفه است مانند: نمونه های ظریف و اصیل معماری شرقی و اسلامی، هنر ها و صنایع دستی مانند: مسگری، زرگری، صنایع مستظرفه چوبی، حکاکی، حجاری، کاشی کاری، خاتم کاری، نقاشی، خطاطی و خوش نویسی، بافنده گی (از تار پخته، نی و ساقه گندم)، قالین بافی، ساختن خانه های چوبی، چپری، خیمه و خرگاه، گلدوزی، پوستین و چین دوزی و صدها نوع دیگر.

این میراث های ارزشمند فرهنگی را که هم ارزش هنری و صنعتی و هم ارزش اقتصادی دارند با حفظ اصالت آن تکامل، توسعه، انکشاف و در سرتاسر کشور عزیز خویش تعمیم بخشیم.

بعد چهارم فرهنگ ما عبارت از شخصیت های علمی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی، شعرا ومؤرخان بزرگ حوزه وسیع فرهنگی است که کشور ما نیز در آن شامل می باشد. شخصیت های متذکره هم از مفاخر کشور ما و هم کشورهای شامل این حوزه به طور مشترک می باشند.

و شما شاگردان عزیز همه این مطالب و پدیده های فرهنگی را که گفتیم در متون کتابهای درسی تان خوانده اید و در دسترس تان قرار دارد، و با تدریس مضمون فرهنگ صنوف دوره ثانوی روزنه یی برای شناسایی فرهنگ غنی و متنوع مردم به شما باز شده، است، و حال به همت عالی و شهامت شما تعلق دارد که در جمع آوری فرهنگ مردم سعی و تلاش کنید و سپس همه آن دست آوردها را در آرشیف لیسه سپرده و نگهداری نمایید، تا این حرکت بجای شما در تحکیم هرچه بیشتر و حدت ملی سراسری مردم ما مفید و مؤثر واقع گردد و هم در حفظ و حراست فرهنگ اصیل خویش سهم شایسته گرفته باشید.



اهداف و مقاصد کلی کتاب

- این کتاب می تواند در تحکیم و وحدت و همبستگی ملی سرتاسری بین مردم نقش مؤثر داشته باشد.
- روحیه احترام به فرهنگ های گوناگون مردم در شاگردان تقویت شود و شاگردان به فرهنگ تمام گوشه و کنار وطن ما آشنا گردند.
- فهم و دانش شاگردان در این مورد انکشاف نماید که: بدانند فرهنگ مردم ما هویت کشورما را در سطح جهان معرفی می نماید.
- مهارت های شاگردان بر این بنیاد انکشاف و توسعه نماید، که ارزش های محوری و مرکزی فرهنگ، ما را به حیث فرد افغان معرفی بدارد. شاگردان این مهارت را پیدا کنند که علاوه از فرهنگ خاص محل و منطقه شان فرهنگ های ولایات و مناطق دیگر وطن عزیز ما را دوست بدارند و بدانند که آنها نیز ثروت های ملی شان می باشد، بیاموزند و به آن به حیث فرهنگ تمام مردم افغانستان افتخار نمایند.
- خواندن این کتاب از جهتی اهمیت دارد که:
 - مضمون فرهنگ جدیداً در نصاب تعلیمی کشور گنجانیده شده و شما یقیناً از اهمیت و چگونگی خصوصیات فرهنگی جامعه و مردم خود آگاه استید؛ چنان که فرهنگ معرف هویت ملی جامعه ما به حیث یک میراث مشترک متعلق به همه مردم است.
 - شما با فرهنگ پر بار و غنی کشور ما، از قبل آشنایی دارید، با مطالعه این کتاب از فرهنگ و عنعنات مردم ولایات و مناطق مختلف کشور آگاهی می یابید و به آن به حیث فرهنگ مشترک تمام مردم علاقه مندی بیشتری پیدا خواهید کرد و در امر احیا، حفظ، توسعه و تکامل آن کوشا بوده، اصالت فرهنگی خود را حفظ نموده و به فرهنگ سایر ملل نیز احترام می گذارید.
- شاگردان با خواندن این کتاب و آشنایی با موضوعات و محتوای آن با همکاری و مشارکت استاد به شیوه سؤال و جواب، در امر آموزش و فراگیری درس های آن تجربه زیاد کسب می کنند.

اهداف فصل اول

در این فصل شاگردان به اهمیت بهار، نو شدن سال و زنده شدن طبیعت پی می برند و می دانند که مردم ما در مرکز و ولایات کشور چگونه از سال نو استقبال می کنند. شاگردان اهمیت و ضرورت میله را در تجدید قوای جسمی و روحی انسان می دانند و از مراسم عروسی که از سنت های اسلامی و عنعنات بسیار قدیم مردم است، آگاه می شوند و به اهمیت و ضرورت ازدواج در تحکیم هرچه بیشتر نظم اجتماعی و خانواده آشنا می گردند. چرا از آزادی وطن و استقلال کشورمان تجلیل به عمل می آوریم؟ به ارزش آن پی می برند. ضرورت تجلیل از جشن ها را می دانند.

برپا کردن مراسم عرس بزرگان، علما و مشایخ گذشته و تقدیر از مقام علمی و روحانی آنان را به دیده احترام می بینند.

بجا کردن مراسم دینی، از تقالید خاصی که در ماه رمضان پیروی می شود. مراسم عید رمضان و عید قربان و دلیل تجلیل مراسم عاشورا و برات را درک می کنند.

شاگردان می دانند که فال گرفتن و شگون و مراسم عزاداری پاره یی از زنده گی مردم ماست گرچه این باور ها منشأ دینی ندارند.



تصویر (۱) لاله زار



فصل اول تجلیل ها و مراسم عبادات

درس های اول و دوم

سال نو و میلۀ دهقان

- سال نو در زنده گی مردم چه تغییراتی را به بار می آورد؟

سال نو و میلۀ دهقان، قدیمی ترین و گسترده ترین رسوم مردم و گواهی نامه یی از سنت های پسندیده نیاکان ما و سمبول تجدید حیات، زیبایی های طبیعت، شگفتگی، نوزایی و پیوند انسان با طبیعت است. آغاز سال نو به مثابه نشانه یی از پیکار نور با ظلمت، پیام آور همدلی و همبستگی، جشن تکاپو، که تاثیر در ژرفای روح و روان انسان ها دارد، می باشد.

جشن سال نو از چند منشأ دینی ندارد معهذا عنعنه یی است برخاسته از مجموعه شرایط طبیعی محیط زنده گی مردم در پهنه جغرافیای فرهنگی آریانای قدیم بدون وابستگی خاص به هیچ قوم و گروه، و جلوه یی است از میراث های مشترک مردم و گستره حوزه تمدنی ما، که فرهنگ های گوناگونی را در آغوش و بطن خود پرورده است.

سال نو راه و رسم کوشایی، پویایی، سازنده گی، همبستگی زنده گی اجتماعی و خانواده گی را به انسان وطن ما به ارمغان می آورد.

در سال نو هر کس در هر جایی که باشد تلاش می ورزد در روز اول سال به جمع خانواده بپیوندد تا در ساعت تحویل سال بین اعضای خانواده و در کنار سفره سال نو باشد و به آن به عنوان یک عنعنۀ کهن می نگرند، تجدید حیات را در مظاهر طبیعت فال نیک



تصویر (۲) نهال شانی

می گیرند و به استقبال از آن سعی می ورزند روح و روان خود را با طبیعتی که خداوند آفریده هم آهنگ سازند.

انسان با پایان یافتن زمستان و حلول بهار زنگار های کهنه را از قلب و اندیشه می زداید و با حرکت نمایشی خانه تکانی با طبیعت همگام می شود و این پیوند در شعر و ادبیات سرزمین ما بازتاب گسترده دارد، چنان که فرخی سیستانی شاعر شهیر وطن ما سروده است:

نگارا بوستان اکنون ندانی گرچه سان باشد؟	گشاده آسمان دیدستی اندر شب چنان باشد
از این سو نسترن باشد و ز آن سو ارغوان باشد	هوای بوستان همچون هوای دوستان باشد
درختان را همه پوشش پزند و پرریان باشد	بهشتی در میان باشد، بهاری در کران باشد
بیا در بوستان آن سان که رسم باستان باشد	تو سروی و گلی و سروگل در بوستان باشد
گلی لیکن ز تو تا سرخ گل چندان میان باشد	که از قدر بلند شاه تا هفت آسمان باشد
از این فرخنده فروردین و فرخ جشن نو روزی	نصیب خسرو عادل سعادت باد و پیروزی

جشن های سال نو در وطن ما الف- در کابل

یکی از نشانه های آمدن بهار سال نو در کابل شنیدن آواز پرنده گان مهاجر است که از مناطق گرمسیر باز گشته، با قطارهای منظم از فضای کابل می گذرند و با آواز های دلنشین و مطبوع خویش مژده رسیدن بهار را می آورند.

در کابل از قدیم رواج بود که مردم در اول سال به دامنه کوه علی آباد، خواجه صفا، باغ بابر شاه، پغمان، گل غندی، استالف و دیگر تفریحگاه ها می رفتند، با نهالستانی،

بازی ها و تفریح های سالم و نمایش حیوانات و پرنده گان و انواع خوشی های دیگر میله دهقان را برگزار می کردند.

در شب اول ماه حمل مردم سفره های خویش را با هفت نوع خوراک



تصویر (۳) سفره سال نو

می آراستند که آنرا به نام سفره هفت سین یاد می کردند. ثروتمندان سفره شب سال نو را با غذاهایی مانند سبزی پالک با چلو سفید، خروس سفید، ماهی، جلبی، گوشت (گاو و گوسفند) سمبوسه، کوماچ و فطیر روغنی، سنجد، سیر، ماست و دیگر خوراکی ها تزیین می کردند که این رواج ها تا هنوز هم ادامه دارد.

ب - سال نو در مزار شریف

با شکوه ترین مراسم جشن سال نو با افراشتن جهنده حضرت علی کرم الله وجهه و برپا



تصویر (۴)

کردن میله عنعنوی «گل سرخ» برگزار می شود.

ده ها هزار نفر از سراسر وطن ما و کشورهای همسایه در این مراسم حضور بهم رسانده مراسم را تماشا می کنند.

در این مراسم بازی ها و نمایشات مختلف مانند بزکشی، نمایشات قچ ها، کبک و بودنه، خروس های کلنگی و کشتی گیری نیز صورت می گیرد. مردم با غذاها و میوه های گوناگون و پوشیدن

لباس های نو و رنگا رنگ در آغوش طبیعت زیبا و مرغزارهای وسیع پُرسبزه، گل لاله، چمن زارها، جنگل ها و باغ ها به سیر و گلگشت و میله و شادی می پردازند. غذاهای خود را در سفره های مشترک در آغوش طبیعت و فضای باز صرف می کنند و سال نو را به آرزوی رفاه و آسایش به همدیگر مبارکباد می گویند.

ج - جشن سال نو در هرات

مردم هرات روزهای خجسته سال نو را در ارغوان زار تخت صفر در دامنه کوه گازرگاه، محله خیابان، کنار چشمه قرنفل، باغ زنانه، پای مناره های مُصلا، محوطه اطراف آرامگاه حضرت مولینا جامی در ناحیه میفروش، محله



تصویر (۵)

شش نور، محله شهزاده یعقوب، محله پل مالان و محله پل پشتون در فضایی مالا مال از خوشی، عطر و زیبایی با مسرت تمام به همدیگر مبارکباد می گویند. محوطه باغچه های شهزاده قاسم و شهزاده عبدالله به زنان اختصاص دارد. زنان با لوازم آشپزی در آن باغستان خرم می روند و با دیگچه پزانی و سرگرمی های دیگر سال نو را استقبال می کنند.

رسم است که مردم هرات در شب اول ماه حمل خروس سفیدی را با پلو و سبزی می پزند و سفره سال نو را با هفت میوه می آریند.

کشاورزان مراسم قلبه کشی و نهالستانی را با نواختن دهل و سُرنا آغاز می کنند. یکی دیگر از رسوم سال نو فرستادن خوانچه ها برای تازه عروسان است. خوانچه را با گلهای رنگارنگ آرایش می دهند، لباس های زیبا و طاقه های شال در آن می گذارند و با موزیک و مطربان خوش آواز به خانه عروس می فرستند.

ثروتمندان، محفظه جواهر، پشتهای زردوزی شده، شیرینی کله قند پیچیده به اطلس، انواع حلواها و نبات آراسته و با مطربان و سراینده های خوش آواز به خانه عروس می فرستند و این ترانه ها را می خوانند:

تو شاخ پرگلی من برگ زردم تو شور خنده ای من آه سردم
تو خورشیدی منم سیاره تو مرا بگذار که تا دورت بگردم

سال نو در ولایت های هلمند و کندهار

تجلیل از روزهای سال نو در هلمند و کندهار و رسوم و سنن آنها بسیار دلچسپ و تماشایی است. به طور عموم در آستانه بهار دهقانان با استفاده از هوای گوارای طبیعت به نهالستانی و کشاورزی می پردازند.



تصویر (۶)

مردم لباس های نو و پاکیزه می پوشند و به پیشواز بهار می روند.

در وادی هیرمند در روزهای اول سال نو کودکان، جوانان، زنان و مردان در ناحیه خلیج جمع می شوند و به جشن و سرور

می پردازند. مردم با ذوق و خوش مشرب کندهار هم به هیرمند می آیند و در تفریحگاه

خلیج نشاط و خوشی می کنند. زن ها محفل جداگانه برپا می دارند وبا غزلخوانی مجلس شان را رونق و جلوه خاص می بخشند.

تفریح و خوشی جوانان در موسم بهار عموماً نشان زنی، نیزه بازی، حلقه ربایی و جالب تر از همه رقص واتن ملی است. پوشیدن جامه های رنگارنگ، سرمه کردن چشم، رنگ کردن ریش وموی با خضاب در سال نو جلوه خاصی دارد.

سال نو در هزاره جات وغزنی

برای مردم شریف و زحمتکش هزاره وغزنی سال نو و میلۀ دهقان یک جشن باستانی وتاریخی است.

خانواده های هزاره در شب سال نو سفرۀ خود را با خوراک های رنگارنگ تزیین می کنند. مراسم پختن حلوی سال نو وسمنک با تشریفات خاص انجام می شود.

زنان و دختران اتن مخصوص محلی را که به نام «پشپو» Pishpaw یا «ارغشتک» یاد میشود به صورت دسته جمعی به اجرا در می آورند وبا حرکت



تصویر (۷)

های موزون سروگردن و زمزمه وتکرار کلمۀ پشپو، کف می زنند ومی رقصند. باغبان ها وکشاورزان نهالشان، کشاورزی، پاک کاری جوی ها، کاریزها، نهرها، چشمه ها وجویبارها را به صورت حشر انجام می دهند.

مراسم سال نو در بدخشان

در ولایت بدخشان مراسم برگزاری جشن سال نو ومیلۀ دهقان با مسابقات عنعنوی بزکشی در دشت «سنگ مُهر» شهر فیض آباد آغاز می گردد واین مسابقات هیجان آور مدت هفت روز ادامه می یابد.



تصویر (۸)

مراسم سال نو در ولایت تخار

پیش از آمدن سال نو جمعیت عظیم مردم از رُستاق، چاه آب و ینگى قلعه و دیگر جاها با ساز و برگ زیاد در دشت پهناوری به نام "سربازی خیلان" در جنوب شهر چاه آب جمع می شوند و به مسابقه هیجان انگیز بزکشی و پهلوانی می پردازند. در روضه «حضرت امام صاحب» میله گل سرخ و مراسم افراشتن "جهنده" برگزار می گردد. در جای خانه ها، مسخره بازها (دلچک ها)، مقلدان، نقال ها و سراینده ها با صحنه سازی ها، شیرین کاری و خوشمزه گی های خود تماشایی ها را سرگرم می سازند و با عبارت های شیرین دو پهلوی و شوخی های با مزه و نیشدار همه را می خندانند.

فعالیت داخل صنف

- یکی از شاگردان به پیش روی صنف آمده در مورد چگونگی مراسم آغاز سال نو منطقه شان صحبت نماید.

پرسش ها ؟؟

- خانه تکانی در آغاز سال نو از نگاه ارزش های اسلامی چه منفعی دارد؟
- نهال شانی در بهار و آغاز سال نو از نگاه رهنمود های دین پاک اسلام چقدر اهمیت دارد؟

کارخانه گی



- شاگردان در مورد رسم و رواج هایی که در مناطق شان در آغاز سال نو اجرا می شود از بزرگان خانواده پرسیده یادداشت کنند و در ساعت بعدی با خود به صنف بیاورند.



درس سوم

میله

- میله چیست؟

میله و تفریح به منظور رفع خستگی، تجدید قوای جسمی و روحی و ایجاد فرحت و شادمانی برای انسان ها بسیار ضروری است.



تصویر (۹) میله در بامیان

انسان از کار روزانه و هفتگی خسته می شود و در روزهای آخر هفته نیاز دارد میله و تفریح کند. هر صنف و هر سلیقه مردم با جمع خود به کنار رود خانه ها، دره های شاداب و سرسبز، باغ ها، دشت های زیبا، دامنه کوه ها و جنگلات می روند و سیر و گلگشت و میله می کنند.

با کیفیت ترین موسم میله، بهار است، که تمام طبیعت روح تازه یافته و آغوش زیبا و با طراوتش را برای پذیرایی انسان باز می کند.

میله های مشهور مردم وطن ما عبارت اند از میله دهقان، میله گل سرخ، میله ارغوان، میله گل نارنج، میله گل کاشکنک، گل سنجد، گل بهی، گل لاله، میله جبه، میله باغ لطیف و امثال آن. میله گاه های مردم شهر کابل و حومه آن، پغمان، گل غندی، باغ بابرشاه، باغ قصر چهلستون، باغ زنانه شهر آرا، باغ جهان آرا و امثال آن است.



تصویر (۱۰) پغمان

در گذشته ها میله های معروفی بوده به نام های میله باغ لطیف، میله جبه، میله شاطرها، میله دویی ها و امثال آن که در زیر رسوم میله آنها را می بینیم.

الف - میله شاطرها در کابل



تصویر (۱۱)

شاطرها برای میله در چهار باغ عمومی جمع می شدند، حلقه بزرگی تشکیل می دادند، پایکوبی می نمودند، از عیاران قدیم مانند عمرامیه، داغولی و بادالله سمرقندی یاد می کردند و تصنیف ذیل را با این مطلع به آواز بلند می خواندند:

علی حیدر - مدد قمبر علی داماد پیغمبر.
ریاست شاطرها را (بابای برق) به عهده داشت؛
همین که میله آغاز می یافت مردمان ده افغانان،

اندراپی، چنداول، کوچه بارانه، کوچه علی رضا خان، سه دکان چنداول، باغوان کوچه، باغ نواب، باغ علی مردان خان، مراد خانی، باغ علم گنج، درخت سنگ، کوچه خرابات، بابای خودی، چارچته، ریکاخانه همه در این میله اشتراک نموده و آنرا تماشا می کردند.

میله شاطرها در شهر هرات

در گذشته ها شاطرها در شهر هرات در دو منطقه میله می کردند:

۱- باغچه زیارت میر صالح

۲- باغچه حوض هوشمند خان

میله شاطرها در شهر هرات در دو فصل بهار و پاییز صورت می گرفت. دیگ های پلو، حلوا، شله، و غلور (دله) به نام "آش پیر" پخته می شد.

تاجران و ثروتمندان هم در برپایی این میله ها سهم می گرفتند؛ همچنان قلندران، درویش ها، ملنگ ها، کاکه ها (عیاران) پهلوانان، خواننده ها، نوازنده ها، مقلدان، مطربان، دلکک ها و مردم شهر و روستاها همه در این میله ها اشتراک می نمودند و به صورت رایگان پذیرایی می شدند.

در صحن میله سماوار های برنجی می جوشید، چایخوری، میوه خوری، ورزش های خیززدن، دویدن از صبح تا شام ادامه می یافت.

میله باغ لطیف

این باغ در دامنه ارگ بالاحصار کابل موقعیت داشت. در این باغ همه ساله در بهار و تابستان میله برگزار می شد. باغ لطیف باغ بزرگی بود که در هر گوشه و کنار آن باغچه های پر از گل های رنگارنگ و معطر، درختان زینتی، بته های گل یاسمن، نسترن، شب

بو و امثال آن موج می زد.

پرنده گان خوشخوان مانند بلبل هزارستان، بونده های چرنگی، یکه خوان، کبک، سایره، موسیچه و گلسر با آوازهای دل انگیز می سرودند.

سماوار چی ها، کبابی ها، طوآف ها در هر کنج و کنار باغ می گشتند و صدا می کردند: "پولداره کباب، بی پوله دود کباب".

دسته ساز مشهور وقت سمندر، استاد قربانعلی، خلیفه محمدعمر رباب نواز، خلیفه صابر طبله نواز، خلیفه طالع مند و استاد کامو این تصنیف را با آواز دلنشین می خواندند و به میله باغ لطیف کیفیت خاصی می بخشیدند:

موسم گل باغ لطیف است	به خدا باغ لطیف است
همان شرشره آو	همان کش کدن گاو
کرنیل لطیف است	جـرنیل لطیف است
	به خدا باغ لطیف است
همان خواندن صوبی	به خدا باغ لطیف است
موسم گل باغ لطیف است	به خدا باغ لطیف است
	به خدا باغ لطیف است

میله جبه

این میله در طول برج حوت الی آغاز سال نو در دامنه شهدای صالحین، سیاه سنگ و باغ بابرشاه برپا می شد واز میله های دلچسپ مردم کابل بود که در آن چوب بازی، پهلوانی، نیزه بازی و داربازی نمایش داده می شد.

میله ارغوان

این میله در ارغوان زار دامنه کوه خواجه صفا برپا می گردید، در این میله برعلاوه بازی ها و سرگرمی های دیگر، در جمع دوستان شطرنج بازی و مشاعره هم صورت می گرفت؛ همچنان مردم شهر کابل به ارغوان زار خواجه سیاران و گل غندی می رفتند ، میله می کردند واز آب و هوای لطیف، خوشگوار و پاکیزه آنجا لذت می بُردند.



تصویر (۱۲) گل غندی

میله های ولایت های سمت مشرق کشور

میله باغ سراج العمارت، باغ امیر شهید، موی مبارک و دولچی بابا در جلال آباد.



تصویر (۱۳)

میله های آغاز سال نو در قلعه سراج شهر مهترلام، میله های پهلوان شهید بابا، زور الیشنگ، بانډو دښته، میله شیخ صاحب و بی بی هاجره در ولایت لغمان. میله و جشن وایساک هموطنان اهل هنود در جلال آباد، میله های قوم کالاش در ولایت نورستان و میله دولتشاه و میله گل نارنج و امثال آن.

فعالیت داخل صنف

- چند شاگرد به نوبت به پیش روی صنف آمده در باره میله های منطقه شان صحبت کنند.

پرسش ها ؟؟

- چند میله گاه زیبا در منطقه شما وجود دارد؟
- میله گاه های مشهور وطن مان را با محل وقوع آن لست کنید!
- آیا وطن ما به حیث یک کشور توریستی وجهانگردی تغییر یافته می تواند؟ شما چه پیشنهاداتی در زمینه می کنید؟

کارخانه گی

- شاگردان از اولیای خویش در باره میله های قدیم منطقه، روستا و شهر مردم شان معلومات به دست آورده در کتابچه های شان بنویسند و به صنف بیاورند.



درس چهارم

تولد کودکان و جشن ختنه سوری بچه ها

- جشن ختنه سوری چیست؟

کودکان نونهالان و گل های زیبای باغ خانواده هستند، که ولادت آنها در خانواده ها سبب خوشی و مسرت زیاد فامیل و وابسته گان می گردد و به این مناسبت هنگام به دنیا آمدن شان جشن و خوشی می کنند.

به همسایه ها و خویشاوندان شیرینی تقسیم می کنند و بعد از سه روز به گوش کودک آذان می دهند و نام کودک را می گذارند.

فامیل ها در نام گذاری کودکان نوزاد بسیار دقت می کنند چون کودک در طول عمر با همین نام زنده گی می کند و نام انسان تاثیر روانی فراوانی بالایش دارد.

به همین سبب مطالب آتی را در حین نامگذاری مد نظر می گیرند:

۱- در جامعه اسلامی ما، نامگذاری نوزادان بر اساس دساتیر اسلامی و سنت پیغامبر اکرم (ص) صورت میگیرد. والدین مسلمان نام هایی را برای فرزندان خود انتخاب میکنند که باعث خوشنودی خداوند (ج) و پیغامبر اکرم (ص) می شود.

۲- کودک نوزاد را به نام دانشمندان، انبیاء، صالحان، اصحابان و مشاهیر مسمی

می سازند و همیشه می کوشند نام کودک

وجه تسمیه نیکو و پسندیده داشته باشد.

طبعاً کودک در دوران زنده گی خود آن

شخصیت های برجسته و نامی را به خود

الگو (مثال اعلا) قرار می دهد و همواره

خویشتن را در قالب آن ها می بیند. و این



تصویر (۱۴)

حکم شریعت اسلامی است.

در نامگذاری نوزادان دختر اکثراً اسم گل ها را بالای نوزاد می گذارند مانند: یاسمن، نازبو، بنفشه، شگوفه، گل غنچه، گل غوتی، ارغوان، نسترن، شقایق و امثال آن. بعد از نامگذاری، مراسم شب شش انجام می یابد و فامیل نوزاد عده یی را به خانه خود دعوت می کند. دعوت شده ها تحفه می آورند، مهمانی می خورند و می روند. کودک را بعد از چهل روز به خانه یکی از خویشاوندان می برند و این رسم را "چله گریز" می گویند. و مجلس و ضیافت مختصری هم تشکیل می شود.

در مورد نوزاد پسر رسم بسیار مشهور و معروف دیگر، ختنه سوری است و آن یک سنت میراثی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرموده اند که: آن را همه می دانند و انجام آن هم از نگاه معتقدات اسلامی و هم لزوم و ایجابات صحی ضروری است، که در زیر آن رسم را در یکی از مناطق جنوب وطن ما که با رسوم و عنعنات دیگر ساحات افغانستان با تفاوت های کم، مشابه است طور نمونه می بینیم:

جشن ختنه سوری در پادخواب شانه (لوگر)

برگزاری مراسم جشن و سرور در این روز از آرزوهای همیشگی هر فامیل است. نخست تولد نوزاد پسر با فیرهای تفنگ به اهل قریه اعلام می گردد.

در روز برگزاری جشن ختنه سوری مردم برای اشتراک در مراسم و صرف طعام دعوت می شوند. کودک را لباس های نو می پوشانند، به چشم هایش سرمه می کشند و سپس سلمان محل را که در عمل "سنتی کردن" تجربه دارد به خانه می خواهند و او وظیفه اش را با مهارت



انجام می دهد و بعد مراسم جشن ختنه سوری قرار زیر آغاز می یابد:

کاکا یا یکی از اولیای دیگر کودک دسته ساز محلی را به خانه خویش می طلبد. یک نفر خود را به قیافه شیر در می آورد و از آنجا تا خانه کودک (در حالی که دسته ساز، موسیقی

تصویر (۱۵)

می‌نوازد) رقصیده رقصیده می‌رود و در ضمن حرکات شیر را تقلید می‌کند. مردمی که به تماشا آمده‌اند با خنده‌های قهقهه و ابراز احساسات و خوشحالی او را همراهی و تشویق می‌نمایند.

علاوه بر آن شیر، گاهی حرکات گرگ را هم تقلید کرده و به رمه‌یی که به طور نمایشی از یک تعداد پسران نوجوان تشکیل شده است حمله می‌برد و شخص دیگری در نقش چوپان، گرگ را با ضربات سنگ (به طور نمایشی) از پا در می‌آورد. در این لحظه شخص دیگری به ادعای این که گویا چوپان پای گرگ او را شکستاده است می‌خواهد برایش دستمال و روغن بیاورند تا پای شکسته گرگش را بسته و زخمش را مداوا کند. اولیای کودک با شنیدن این ادعا یکدانه دستمال گلدوزی شده و یک کاسه روغن برایش می‌آورند و نمایش به همین جا خاتمه می‌یابد.

بعد بازی و نمایش دیگری به تقلید از حرکات خرس به قرار زیر انجام می‌شود: چند مُدِل خانه‌های نمایشی می‌سازند و گویا در این خانه‌ها فامیل‌ها زنده‌گی می‌کنند و خرس هر شب آمده یک کودک را از خانه‌ها ربوده است. اهل قریه یکجایی به جست‌وجوی خرس می‌پردازند و خرس را در خانه‌اش گرفتار می‌کنند، او را می‌کشند و کودکان را نجات می‌دهند.

به این ترتیب نمایش دیگر از حرکات شیری که گاو را شکار می‌کند و روباه او را فریب می‌دهد، نمایش گاوی که از چنگ قصاب فرار کرده.

این نمایشات هر کدام جدا جدا و توسط اشخاص تنومند، چالاک و با تجربه تمثیل می‌گردند؛ مگر میر همه بازی‌ها و تمثیل‌ها یکنفر است که ماهرترین می‌باشد و اکثر این نقش‌ها را به تنهایی اجرا می‌کند و شیر نام دارد.

این نمایشات و تمثیل‌ها بسیار دلچسپ است و مردم آن‌ها را از اول تا آخر با دلچسپی زیاد تماشا می‌کنند.

بعد از انجام این نمایشات، ده عدد دستمال گلدوزی شده که از قبل به همین منظور آماده گردیده، مقداری روغن، آرد جواری و پول نقد برای شخصی که نقش شیر را اجرا کرده انعام می‌دهند و مراسم با خوشی و مسرت خاتمه می‌یابد.

فعالیت داخل صنف



- دو شاگرد به نوبت به پیش روی صنف آمده در باره جشن ختنه سوری منطقه شان صحبت کنند.

پرسش‌ها

- برگزار کردن مراسم ختنه سوری کار معقول است؟ اگر است دلایل آن را بگویید.
- شما گاهی در کدام مراسم ختنه سوری اشتراک کرده اید؟ اگر اشتراک کرده باشید چگونه گی آن را تشریح کنید.

کارخانه گی



- شاگردان از اقارب خود در باره مراسم جشن تولدی و ختنه سوری معلومات جمع آوری کرده در کتابچه های شان بنویسند.



درس پنجم

مراسم عروسی

- در منطقه شما مراسم عروسی چه گونه برگزار می شود؟

عروسی کردن جوانان یک مکلفیت شرعی و ضرورت طبیعی انسانی است که در تمام دنیا در سن مساعد انجام می شود. در کشور عزیز ما در گذشته ها که مکاتب و مدارس به پیمانه امروز زیاد نبود واکثر جوانان دسترسی به درس خواندن نداشتند، فامیل ها از سنین هفده و هجده به بعد در فکر طوی کردن فرزندان خود می شدند، ولی در شرایط امروزی درس خواندن و تحصیلات عالی از ضروریات اولی هر جوان است، به این سبب ناگزیر این پدیده اجتماعی سن ازدواج را الزاماً بالا برده همه و یا اکثر جوان ها تا زمانی که تحصیلات پوهنتون را به آخر نرسانده باشند، فکر ازدواج کردن به ذهن شان نمی آید، در هر حال سرانجام آن فرصت مساعد فرا می رسد و فامیل تصمیم می گیرد پسرش را عروسی کند و این مراسم از خواستگاری تا تخت جمعی مراحلی دارد که قرار آتی بیان می شود: انتخاب دختر، خواستگاری، شیرینی خوری و تویانه، شب خینه، عروسی و نکاح، کیفیت انتقال عروس و تخت جمعی.

۱- انتخاب دختر

مادر و خواهر پسر دختری را زیر نظر می گیرند به پسر می گویند وبا خویشاوندان نزدیک مشوره می کنند وبعد به خواستگاری می روند.

۲- خواستگاری

مادر، خواهر یا عمه و خاله پسر به طور خصوصی و پنهانی چندین مرتبه به خانواده دختر

می‌روند و نظر والدین و دختر شانرا جویا می‌شوند؛ اگر تمایل آنها را درک کردند بعداً مادر و پدر پسر با چند نفر از زنان و محاسن سفیدان به خانه والدین دختر می‌روند و علناً خواستگاری می‌کنند و معمولاً جملاتی که حین خواستگاری گفته می‌شود بعضی از آنها چنین است: "آرزو داریم که پسر ما را به غلامی خود قبول کنید" یا "ما به خانه شما خانه جاروب کردن آمده ایم." در بسیاری مناطق وطن ما انتخاب دختر به اختیار پدر و مادر است و پسر حق انتخاب ندارد.

در بعضی مناطق کشور ما خواستگاری در سه مرحله، قبل از تولد، در کودکی و در سن بلوغ صورت می‌گیرد.

خواستگاری معمولاً چندین مرتبه و بعضاً چند ماه ادامه می‌یابد، سرانجام در یکی از روزهای خواستگاری خانواده دختر راضی می‌شود؛ سپس چند پاکت نقل، شیرینی و گاهی تار و سوزنی را در دستمالی ابریشمی خالانده به خانواده پسر پیشکش می‌کنند. شیرینی را در مجلس حاضران توزیع می‌کنند و روز برگزاری مراسم شیرینی خوری را نیز معین می‌سازند. این سنت تقریباً در اکثر نقاط کشور ما معمول و مروج است. در خورباتی بعد از دریافت جواب مثبت خواستگاری برای اعلام خبر تفنگ فیر می‌کنند؛ همچنان بعد از چند روز محفل "کوژدنی" برپا می‌نمایند و در آن ضمن محفل و دعوتی، دختران جوان خویشاوند خوانچه یی را با نوبت به سر گذاشته شادی کنان به خانه پسر می‌برند.

۴- شیرینی خوری و تویانه

قبل از برگزاری مراسم شیرینی خوری خانواده داماد مصارف شیرینی خوری را که معمولاً (برنج، روغن، گوشت، میوه و دیگر ضروریات) زیورات عروس مانند انگشتر، طوق گردن، دستبند و چوری، چند جوهر لباس، چند جوهر بوت و دیگر لوازم مورد نیاز عروس است خریداری و آماده می‌کند و مبلغی پول نقد که با آن پدر دختر جهیزیۀ دخترش را خریداری کند در معیت چند نفر محاسن سفیدان با ساز و آواز دف و دنبوره و غیجک به خانه فامیل عروس می‌برند، وعده یی را دعوت می‌کنند و نان می‌دهند.

در ضمن این دعوت و نانخوری مراسم چله بدل نیز صورت می‌گیرد، بعد از مراسم چله بدل نامزادان می‌توانند گاه گاهی با هم دیدار کنند.

در اکثر ولایات کشور علاوه از مصارف عروسی خانواده داماد به خانواده عروس قَلینگ (تویانه، گله، شیربها یا وَلَوَر walwar) هم پرداخت می‌کنند. در بعضی موارد خانواده‌هایی که اقتصاد ضعیف و دختران و پسران جوان داشته باشند، یکی دختر خود را به پسر دیگر و دختر او را به پسر خود می‌گیرد، که این رسم را بدلی می‌گویند. البته این نوع عروسی که از آن در فقه اسلامی بنام نکاح شغار یاد می‌شود، در دین اسلام منع شده است؛ چنان که:

از حضرت عبدالله ابن عمر (رض) روایت است که رسول الله (ص) او را از نکاح شغار منع کرده است.

۵- شب خینه (حنا)

معمولاً یک شب قبل از عروسی (نکاح) محفلی از زنان خویشاوند در خانه عروس برپا می‌گردد و مادر عروس مقداری خینه تهیه کرده و به دست همه می‌بندد و مطربان این سرود را با آواز خوش می‌خوانند:

امشب چه شب است شب حنا بندان است	حنا بیارین با دستش بمالین
امشب چه شب اس که تیل خاک می‌سوزه	حنا بیارین با دستش بمالین
کاکای کلان پدر وکیل می‌باشد	حنا بیارین با دستش بمالین
از آمدنت اگر خبر می‌داشتم	پیش قدمت خرمن گل می‌کاشتم
گل می‌کاشتم گل گلاب می‌کاشتم	خاک قدمت به دیده می‌ورداشتم

حنا بیارین با دستش بمالین

من قد ترا میان گندم دیدم	دسمال ترا ده جیب مردم دیدم
دسمال ترا بوی کدم بوی تو نیست	من بوی ترا ده جان مردم دیدم

حنا بیارین با دستش بمالین

۶- مراسم عقد نکاح

مهم ترین اصل در عروسی عقد نکاح شرعی است. در این محفل مهمانان زیادی از دوستان و خویشاوندان، قُرا و قصابات همجوار و مولوی محل دعوت می‌شوند. در دیگ های بزرگ پلو پخته می‌کنند و برای مدعوین نان می‌دهند، بعضاً مدعوین مُتَشَخَّص مقداری پول یا بز و گوسفند به توی والا طور کمک می‌آورند که در هزاره جات بنام نیم آوری یاد می‌شود.



تصویر (۱۶) بزکشی

در صفحات شمال کشور اکثراً در مراسم عروسی بزکشی هم می‌کنند.

در نورستان اولاً عقدنکاح می‌کنند بعد نان می‌خورند؛ زیرا به زعم آنها نان خوردن قبل از نکاح درست نیست.

برای عروس جایگاهی را آراسته و آماده می‌نمایند و او را که با هفت قلم آرایش داده‌اند، می‌آورند که در آن مقام زیبا و رؤیایی بنشانند.

هم زمان با ورود موکب عروس مطربان که آماده هستند سرود "آستا برو"

را با این آهنگ دلنشین می‌خوانند:

آستا برو! ماه من آستا برو!	آستا برو! دختر خان آستا برو!
من آمده ام ترا ببینم بروم	راز دل خود با تو بگویم بروم
راز دل من گفته شود یا نشود؟	آستا برو ماه تمام آستا برو
حنا به کف پایش بمانم بروم	آستا برو! ماه تابان آستا برو!
عشق تو بلای جان درویش من است	آستا برو شاه خوبان آستا برو!
بیگانه نمی‌شود مگر خویش من است	آستا برو ماه تمام آستا برو!

و با این آهنگ، عروس در حالی که عده‌یی از زنان خویشاوند مادر، خواهر و دیگر زنان خانواده نزدیک از بازوهایش گرفته‌اند آهسته آهسته قدم برداشته به جایگاه سعادت و نیکبختی خویش می‌رسد و می‌نشیند و در این اثنا دو نفر به حیث شاهد می‌روند و از عروس که در بین زنان و در عقب پرده نازک نشسته است می‌پرسند: «خواهر! خواهر! وکیل مهر و نفس شما کیست؟»

عروس با تأنی و درنگ بعد از چند پرسش یکی از وابسته‌گان نزدیکش را که از محارم باشد به حیث وکیل نفس و مهر خود تعیین می‌کند، شاهدان با وکیل منتخب به حضور

مجلس بزرگان و امام محترم آمده ایستاده می‌شوند. امام محترم از آنها می‌پرسد: شما کجا رفته بودید و حکم چه آوردید؟ شاهدان می‌گویند: "به شهر عدالت رفته بودیم و حکم وکالت آوردیم بالای این مرد" وبا تقریری خاص وبا گفتن کلمه شهادت می‌گویند "که ما حاضر وشاهد بودیم که بی بی فلانی بنت فلانی این شخص را وکیل نفس حلال ومهر خود



تصویر (۱۷) عروسی

گردانید، مولوی از وکیل می‌پرسد: شما وکالت را قبول کردید؟ او می‌گوید: بلی، بعد وکیل مهر را تعیین می‌کند و داماد آنرا می‌پذیرد و سپس مولوی از وکیل می‌پرسد که با این مهر تعیین شده نفس نفیسه فلانی را به زنی وبه نکاح مسلمانی که قبلاً توافق کرده وحالا هم موافقه دارید؟ به زنی و به نکاح مسلمانی به این جوان(اشاره به طرف داماد کرده) داده بودید و دادید؟ طبعاً وکیل موافقه خود را اعلام می‌کند و موافقه دامادرا هم می‌پرسد و بعد مولوی خطبه نکاح را می‌خواند، سپس نقل وشیرینی که قبلاً آماده شده به حاضرین توزیع می‌گردد و همه حاضرین به فامیل پسر و دختر مبارکباد می‌گویند.

۷_ کیفیت انتقال عروس

در اکثر مناطق کشور در گذشته ها صبح روزی که شب، نکاح صورت گرفته می‌بود، اگر عروس را به خانه داماد به قریه دیگر می‌بردند، عروس و شاه را بر دو اسب مزین سوار می‌کردند و در حالی که لجام اسب عروس را مامایش می‌گرفت. و مطربان دف و دایره، دنبوره و غیجک می‌نواختند و آواز می‌خواندند.

مثلاً این بیت ها را:



تصویر (۱۸) انتقال عروس به شیوه عنعنوی

شاه بر آمد خانه هی
یا این گونه رباعیات را:

چشمان شاه مستانه هی

بهار تموس به هم مبارک بادا
دو پر طاووس، دو غنچه گل
و یا این سرود ها را:

دو پر طاووس به هم مبارک بادا
داماد و عروس به هم مبارک بادا

هلاک نری چنار دی جنی دگلو ونه
چپی مازیگر پری بنه بنکاری
هلاک نری چنار دی جنی دگلو ونه

په سربپی زرین شال دی په غاړه امیلونه
بسم الله خورې ولې، ؟هغې جنی ته مور منگی نه ورکونه
په سربپی زرین شال دی په غاړه امیلونه

یک جوان پیشاپیش مطربان میرقصید و مردم زیاد که در این خوشی و شادی اشتراک کرده بودند موکب شاه و عروس را بزم کنان تا بیرون قریه بدرقه می کردند و عروس را به خانه داماد می بردند.



تصویر (۱۹) انتقال عروس

در شغنان زن ها در بام ها برآمده دف و دایره می زنند و خوشی می کنند.
در ولایت نیمروز (بلوچ های هموطن ما) عروس و داماد را بر شتری که زین دو نفری بر پشتش زده اند سوار می کنند و به خانه داماد می برند.
در مناطق ترکمن ها، وردک و غزنی دو کجاوه مخصوص را بر پشت شتری مزین می آویزند، به یک کجاوه عروس و به کجاوه دیگر دو زن از اقارب عروس را می نشانند و عروس را به خانه داماد می برند.



تصویر (۲۰) موتر گلپوش عروس

در دره پیچ در تاریکی شام عروس را در حالی که در بین اقاربش (برادران و ماما هایش) احاطه شده است، شالی



تصویر (۲۱) انتقال عروس در کجاوه
توسط اشتر

را مانند چتر بالای سرش می‌گیرند و پیاده به خانه داماد می‌برند. اگر خانه داماد بسیار دور نباشد.

در این اواخر در شهرها و حتی در دهات عروس را توسط موتوری که با گل‌های کاغذی و مصنوعی گل پوش شده به خانه داماد می‌برند.

برای عروس و داماد حجله زیبایی را ترتیب و آرایش می‌دهند، تخت می‌زنند و با پرده‌های گلدوزی شده زیبا در و دیوار آن را می‌آرایند و عروس و داماد اولین روز و شب زنده گی پر حلاوت، پر خاطره و پر از هیجان خود را با خیالات خوش و دل انگیز آغاز می‌کنند (ماه عسل) به مصداق این شعر شاعر :

شب زفاف کم از صبح پادشاهی نیست **به شرط آنکه پسر را پدر کند داماد**

در بین ترکمن‌ها مروج است: وقتی داماد به حجله داخل شد شیرینی، نبات، چهارمغز، بادام نقل و چاکلیت را که در دستمال کلانی آورده اند به سر عروس و چهار کنج و صحن حجله می‌پاشد.

۸- تخت جمعی

تخت جمعی معمولاً سه روز بعد یا هفت روز بعد برپا می‌گردد.

در بعضی مناطق وطن ما والدین دختر تا هفت روز، هنگام چای صبح یک یا دو مجمع پراته به خانه دخترشان می‌فرستند و خانواده شاه هم خود از آن می‌خورد و هم به خانه اقارب توزیع می‌کند.

مراسم تخت جمعی محفل زنانه است. عده‌یی از زن‌های همسایه و خویشاوندان اشتراک

می‌کنند در دیگ های بزرگ پلو، کوفته، قورمه و امثال آن می‌پزند و مهمانان را نان می‌دهند.

عروس را آراسته به مجلس می‌آورند، کودک هفت ساله ای با نوک خمچه تازہ پرده سفید ابریشمی نازک را از روی عروس باز می‌کند و زن ها با دیدن روی عروس برایش تحفه و هدیه می‌دهند و تحفه معمولاً پول نقد و زیورات است، که به نام رونمایی یاد می‌شود. بعد از سه روز داماد "خُسَر سلام" می‌رود و در خانه خُسَر دست های خسر و خشوی خود را می‌بوسد و آنها روی داماد خود را می‌بوسند و داماد را با صمیمیت پذیرایی می‌کنند.

فعالیت داخل صنف

- یک شاگرد به پیشروی صنف آمده در باره مراسم عروسی منطقه شان صحبت کند.

پرسش ها ؟

- اگر مصارف عروسی مختصر تر شود خوب است؟ چگونه؟
- در مراسم عروسی چقدر مصارف باید صورت گیرد؟

کارخانه گی

- شاگردان در مورد تمام مراسم عروسی از فامیل و اقارب خود معلومات بگیرند و در کتابچه های شان بنویسند.



درس ششم

تجلیل جشن استقلال و جشن های ملی دیگر

- جشن چیست؟ چرا به مناسبت سالروز آزادی وطن جشن می‌گیریم؟

آزادی نعمت خدا داد است. همه انسان ها آزاد به دنیا می‌آیند ولی همه مردم آزادی خود را حراست کرده نمی‌توانند و در طی قرون متمادی کشورهای متجاوز بر کشورهای ضعیف هجوم برده آزادی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم آنرا غصب نموده و آن ها را استثمار کرده اند. تاریخ نهضت های مقاومت افغان ها در برابر استیلاگران شاهد آنست که این کشور مرد خیز هرگز در برابر لشکر کشی های مهاجمین مانند اسکندر و چنگیز تسلیم نگردیده اند. چنان که مقاومت دلیرانه مردم افغانستان در سه جنگ آزادی خواهی نمایانگر دلاوری و آزادمنشی مردم کشور ماست.

حصول استقلال افغانستان یک امر تصادفی نبوده بلکه محصول خون هزاران جوان قهرمان این سرزمین می‌باشد، تا این که دولت وقت بریتانیای کبیر مجبوراً استقلال وطن ما را به رسمیت شناخت.

شاه امان الله خان غازی محصل استقلال کشور ما، که پادشاه ترقی خواه و مدنیت دوست و یک شخصیت ملی بود و برای آزادی و استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور ما افکار و اندیشه های نیک ملی در سر داشت که با تأسف مجال تحقق همه آرمان های خود را به تمام و کمال نیافت.



شاگردان عزیز ما و شما افغان ها به مثابه ادامه دهنده گان راه و رسم نیاکان و مبارزان ملی کشور خود برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور متحدانه کار می‌کنیم تا این که بیگانگان هوس مداخله و غرض ورزی ها را در امور کشور ما در سر نیپورانند و مانع وحدت ملی ما نشوند.

تصویر (۲۲) منار استقلال



تصویر (۲۳) مراسم جشن استقلال

جشن استقلال به مثابه ارزش سیاسی و معنوی محصول مبارزات و مقاومت های توده یی و دسته جمعی و یکپارچه مردم یک سرزمین است
جشن استقلال همه ساله از طرف مردم وقطعات نظامی اردو وپولیس ملی وشاگردان معارف با نمایشات رسم گذشت در منطقه چمن حضوری تجلیل می گردد.

و همچنان از پیروزی انقلاب اسلامی به مناسبت پیروزی مجاهدین با غیرت وملت آزاده افغانستان بر قشون سرخ اتحاد شوروی وقت، همه ساله در هشتم ثور بزرگداشت به عمل می آید.
کشور عزیز ما که تاریخ بسیار کهن دارد در گذشته ها نیز مردم ما جشن های با شکوه برگزار می کردند.



تصویر (۲۴)

فعالیت داخل صنف

- یک شاگرد به پیش روی صنف آمده در باره جشن استقلال وطن ما صحبت نماید.

پرسش ها ؟

- جشن استقلال را مردم وطن عزیز ما چرا تجلیل می کنند؟
- از جشن پیروزی مجاهدین در وطن ما چگونه تجلیل به عمل می آید؟

کارخانه گی



- در مورد پیروزی مجاهدین و مردم با غیرت ما بر قشون سرخ اتحاد شوروی وقت، شاگردان از بزرگان و محاسن سفیدان معلومات به دست آورده در کتابچه های خویش بنویسند وبه صنف بیاورند.



درس هفتم

عُرس و مزار

- عرس چیست؟

مراسم عرس به منظور بزرگداشت جایگاه معنوی عارفان، صوفیان و زاهدان اهل قبله و سجاده که وفات کرده اند برگزار می‌گردد. این مراسم بیشتر در بین برخی مسلمانان شبه قاره هند مرسوم است.

مراسم عرس معمولاً از دو تا چهار یا از سه تا پنج روز را دربر می‌گیرد و به مناسبت روزهای تولد و وفات این بزرگان تدویر می‌یابد.

در شب اول عرس مقدار زیاد عطر و گلاب و دیگر مواد مُعَطَّر کننده را با بورهٔ ارهٔ چوب صندل آمیخته به شکل خمیر می‌سازند و سپس آنرا در طبق‌ها گرفته بر اسپ‌ها و شترها سوار می‌شوند و با آهنگ و برنامهٔ خاص به هر جا می‌گردانند و حاضرین پیاده همگام با سواران تا آذان نماز صبحگاهی آن‌ها را همراهی می‌کنند.

شب دوم که چراغان گفته می‌شود تا نصف شب قوالان آهنگهای دلنشین و سحر انگیز قوالی می‌سرایند و حاضران آن‌ها را احاطه کرده، خواندن‌های دل انگیز قوالی را می‌شنوند.

مزار عارفان و صوفیان بزرگ مثل خواجه نظام الدین اولیا، خواجه معین الدین چشتی، علی هجویری غزنوی، خواجهٔ گیسو دراز، خواجه حضرات یوسفین، ز ایران زیادی دارند و صدها هزار نفر از کشورهای همجوار و منطقه به عرس در مزار ایشان جمع میشوند.

پیشینه برگزاری عرسها در شبه قاره هند به نهصد سال قبل می‌رسد و آن همزمان با استقرار حکومت های سلسله شاهان افغانی در نیم قاره هند می‌باشد.

در کشور عزیز ما افغانستان نیز سنت عرس پیشینه طولانی دارد و این عرف از کشور ما به هند رفته است. در افغانستان که وطن اکثر عارفان، زاهدان، و پارسایان است این رسم همواره برگزار می‌شده و تا امروز نیز این عنعنه ادامه دارد. در شهر های بزرگ وطن عزیز ما خاصاً در کابل، هرات، بلخ، غزنی، جلال آباد و کندهار محافل و مجالس عرس و گرامیداشت شخصیت های عرفانی و ادبی مثل خواجه عبدالله انصاری، حکیم سنایی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، حضرت جامی، علیشیر نوایی، میرزا عبدالقادر بیدل، مخدومقلی فراغی، خوشحال خان ختک، عبدالرحمن بابا و مجالس بعضی از صوفیان و عرفای دیگر مانند خواجه معین الدین چشتی و خواجه عبدالقادر جیلانی و عرس مرشدان طریقه نقشبندیه در میان پیروان این طریقه هر سال در زمان معین طی مراسم خاص برگزار می‌گردد و در آن ارادت مندان زیادی اشتراک می‌ورزند.

در این محافل و مجالس افزون بر گرامیداشت از شخصیت و مقام این صوفیان و عارفان، به ساز و آواز خواننده گان و نوازنده گان نیز مجال جولان داده می‌شود و در اخیر با صرف ضیافت ها و فرستادن دعا بر روح صاحبان عرس محافل به اختتام می‌رسد.

یک بُعد تدویر عرس ها در جامعه ما به ذات خویش نوعی باز شناسی از فرهنگ صوفیانه و عرفانی جامعه ماست و منشأ شرعی ندارند. بُعد دیگر آن این است که در این محافل بیشتر از آن آثار علمی دانشمندان صحبت می‌شود که آن بحث ها می‌تواند در تعمیم مَلکه های فاضله یی مانند دانش، اخوت، صلح، جوانمردی، سخاوت، انصاف، انسان پروری، مهربانی، در میان مردم مؤثر واقع شود.

مزار



تصویر (۲۵)

- گاهی شما به کدام مزار رفته اید؟
معمولاً در هر منطقه شهر و دهات
وطن ما چند مزار وجود دارد که مردم
به آن مکان ها به زیارت می‌روند.

می‌گویند: مزارها بیشتر منسوب به

اولیا، متقیان، شهدا، عالمان، صوفی ها و ملنگ ها، می‌باشند. در جوار قبر این ها سنگی،
درختی و گاهی غاری ویا چشمه یی وجود دارد. این مکان ها به جهتی به زیارت گاه ها
تبدیل شده اند، که بنا به تصوّر عام این جای ها محل اعتکاف، چله خانه، قدم گاه یا مقبره
پیر، صوفی یا روحانی یی بوده است. وعده یی به نام بازمانده گان یا ارادتمندان ایشان در
جوار مقبره به قسم متولی جای گرفته اند. از این جمله از مزارهای شاه دو شمشیره ولی
، تمیم انصار، جابر انصار، عاشقان و عارفان و دیگران در کابل و مزار های زیادی هم در
ولایات می‌توانیم نام ببریم.

این مزارها از هر کسی باشد، مردم و بیشتر زن ها به آن جاها می‌روند و به نذر و نیاز،
صدقات و خیرات، دعا و نیایش می‌پردازند^(۱) گر چه انجام این گونه اعمال از نگاه دین
اسلام و گفته های علمای کرام قابل تایید نیست و به اصلاح و تجدید نظر ضرورت دارد.

۱ زیارت رفتن به دو هدف صورت می‌گیرد:

الف: زیارت رونده وقتی به قبرستان می‌رود بیاد می‌آورد که او هم سرانجام می‌میرد و به همین جا
می‌آید باید از قبل تیاری بگیرد.
ب: به اهل قبور دعا کند.

فعالیت داخل صنف



– شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند. دو گروه در مورد عرس ها و دو گروه در مورد مزارها بین خود بحث کنند.

پرسش‌ها

– بزرگداشت از مقام بزرگان، علما، و روحانیون در جامعه ما از چه اهمیتی برخوردار است؟
– مردم چرا به زیارت ها می‌روند؟

کارخانه گی



– شاگردان از اولیا و بزرگان خانواده خود در مورد عرس ها و مزارها معلومات به دست آورده در ساعت دیگر به صنف بخوانند.



درس هشتم

مراسم ماه مبارک رمضان و عیدین

- در منطقه یی که شما زنده گی می کنید در ماه مبارک رمضان و عیدین
چی رسم و رواج هایی وجود دارد؟

مراسم مربوط به رمضان و عیدهای فطر و قربان ریشه در فرهنگ و عقیده دینی ما دارند و به عقیده مردم مسلمان کشور ما از تقدس خاصی برخوردار است و بر سایر ماه های سال برتری و فضیلت دارد. زیرا ماه رمضان ماه نزول قرآن و شب قدر است. شب قدر بنا به ارشاد قرآن کریم بهتر از هزار شب است.

مردم ما ضمن آنکه در این ماه روزه می گیرند، از منهیات پرهیز می کنند و به انجام اعمال خیر می پردازند. مانند فرستادن افطاریه به مساجد و ادای نماز تراویح. مردم مسلمان ما بعد از افطار روزه و ادای نماز شام در نماز خفتن، بیست رکعت نماز تراویح را به جماعت ادا می کنند؛ همچنان در ضمن ادای نماز تراویح در اکثر مساجد وطن ما ختم قرآن شریف نیز صورت می گیرد.

خوردن غذای سحری پیش از طلوع صبح صادق از مراسم دیگر ماه مبارک رمضان است که موافق به اعتقادات دینی مردم ما در خوردن سحری برکت وجود دارد و این کار آنان را برای روزه گرفتن قوت و نیروی بیشتر می بخشد.

بعد از ختم ماه رمضان عید سعید فطر را نیز مردم با مراسم خاص برگزار می کنند.



تصویر (۲۶)

عید سعید فطر

نخستین روز ماه شوال عید سعید فطر است. مردم ما با فرا رسیدن عید سعید فطر نوعی شادی و لذت احساس می‌کنند و چند روز پیش از آن برای تجلیل این عید آماده‌گی می‌گیرند و لباس‌های نو برای خود، فرزندان

و اعضای فامیل تیار می‌کنند. خانواده‌هایی که پسران شان نامزد باشد در روز عید و یا چند روز قبل برایش ضمن خوانچه‌ی عیدانه می‌فرستند.

مردم مسلمان کشور ما پیش از ادای نماز عید، صدقه فطر یا سرسایه روزه خود را برای فقرا و افراد نادار محل و مناطق شان ادا می‌کنند، که نشانه هم‌یاری انسانی بوده، تا در روزهای عید کمک اقتصادی برای مساکین باشد. بعد از ادای سرسایه مردم به مساجد جامع و عیدگاه‌ها می‌روند و نماز عید را با جماعت می‌خوانند و بعد از



تصویر (۲۷)

ادای نماز با هم بغل‌کشی و عید مبارکی می‌کنند.

از مراسم دیگر روزهای عید این است که مردم ما به خانه‌های دوستان و خویشاوندان خود به عیدی می‌روند و عید را به یکدیگر مبارکباد می‌گویند. این



تصویر (۲۸)

روش پسندیده آن‌ها در تحکیم هر چه بیشتر روابط اجتماعی و رفع کدورت‌ها بسیار مفید و مؤثر است. به منظور آماده‌گی این عیدی، قبلاً همه خانواده‌ها انواع زیادی شیرینی و میوه جات تهیه می‌دارند و در دسترخوانی می‌چینند تا مهمانانی که می‌آیند صرف کنند.

عید قربان

سنت قربانی کردن به اعتقاد مسلمانان آنست که شبی حضرت ابراهیم(ع) به خواب دیدند که خداوند(ج) ایشان را امر کرد که باید پسرشان حضرت اسمعیل(ع) را قربانی کنند. صبح اینموضوع را با اسمعیل(ع) در میان گذاشتند. اسمعیل(ع) به پدر خود گفتند: آنچه خداوند(ج) امر کرده آنرا انجام دهید.

حضرت ابراهیم(ع) خواستند امر خداوند(ج) را در عمل پیاده کنند مگر خداوند(ج) که او را آزمایش می‌کرد، در عوض گوسفندی از بهشت برایشان فرستاد و آنرا قربانی کردند. عید قربان یا عید اضحی هر سال از جانب مسلمانان در ایام حج با مراسم شکوهمندی تجلیل می‌شود.

نخستین رسم روز عید قربان ادای نماز عید است که مردم به شکل دسته جمعی به ادای آن می‌پردازند.



از مراسم خاص این عید، قربانی کردن است و کسانی که توان مالی بیشتر دارند در روز عید گوسفندی گاو یا شتری را در راه خداوند قربانی می‌کنند. رسم قربانی کردن چنین است که مال

تصویر (۲۹)

فربهی را برای قربانی بر می‌گزینند و هنگام ذبح چشمان حیوان را سرمه می‌کشند و بعد به ذبحش اقدام می‌کنند و گوشت آن را طبق رسم معمول هم خود می‌خورند و هم به خویشاوندان و فقرا تقسیم می‌کنند که فلسفه آن کمک کردن به مساکین و بیچاره گان است.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان مراسم ماه مبارک رمضان و اعیاد منطقه خود را بین هم بگویند.

پرسش‌ها

- روزه گرفتن چه فلسفه‌ی دارد؟
- شب قدر کدام یک از شب‌های ماه مبارک رمضان است و چه فضیلت دارد؟
- عید‌ها برای مسلمانان چه پیام دارد؟

کارخانه‌گی



- شاگردان از بزرگان خانواده‌های شان در مورد رسم و رواج‌های عید در گذشته‌ها معلومات گرفته و در ساعت بعدی به صنف بیاورند.



درس نهم

مراسم عاشورا و برات

عاشورا در عرف ما چه مفاهیمی را افاده می‌کند؟

در روز عاشورا خداوند متعال حضرت موسی علیه السلام را از دست فرعون نجات داده است و از این لحاظ پیامبر اسلام این روز را پر میمنت خوانده و به شکرانه اش روزه گرفته است؛ هم چنان در همین روز (دهم محرم الحرام) یکی از حوادث بزرگ و الم ناک تاریخ اسلام یعنی واقعه کربلا شهادت حضرت امام حسین علیه السلام و یارانش نیز اتفاق افتاده است. مراسم عاشورای حسینی در بعضی مناطق وطن عزیز ما افغانستان مدت چهل روز دوام می‌کند.

در فرهنگ عاشورای حسینی اربعین، چهلمین روز شهادت حضرت امام حسین علیه السلام را می‌گویند، که مصادف با روز بیستم صفر المظفر می‌باشد. در این روز مراسم خاص در کشورهای اسلامی دیگر هم تدویر می‌یابد. تجلیل از اربعین در واقع تداوم عاشورای حسینی است.

مردم ما روزهای عاشورا شلّه شیرین به رنگ زرد می‌پزند و به مساکین تقسیم می‌کنند. در تکیه خانه‌ها مراسم خاصی با اشتراک هزاران مردم اعم از مرد و زن در مرکز و ولایت‌ها جمع می‌شوند و از شهامت حضرت امام حسین علیه السلام ضمن ایراد خطابه‌ها قدردانی به عمل می‌آورند.

مراسم شب برات

شب برات در کدام ماه هجری قمری است؟ چرا آنرا برات می‌گویند؟ شب یازدهم ماه شعبان المعظم برات است، مردم مسلمان ما در روز برات روزه می‌گیرند و در شب برات عبادت می‌کنند و معتقد هستند که: در این شب دعای مؤمنان به درگاه خداوند (ج) قبول می‌شود.

بعضی علمای اسلامی می‌فرمایند که: قرآن عظیم الشان در این شب به صورت یکجایی به آسمان دنیا نازل گردیده است.

شب برات بعد از شب قدر در فرهنگ ما از بهترین شب‌ها دانسته شده است و مسلمانان

آنرا شب تعیین روزی مردم از جانب خداوند (ج) می‌دانند. به این سبب همه خانواده‌ها کوشش می‌کنند در شب برات غذاهای گوناگون پخته و صرف کنند زیرا معتقد استند اگر در شب برات سیر بخورند تا آخر سال خداوند (ج) روزی شانرا زیاد می‌کند. همچنان در این شب شولۀ شیرین، حلوا، شوربا و کاجی پخته به مساجد، همسایه گان و مساکین روان می‌کنند.

خانواده‌هایی که پسران شان نامزاد باشد، چندروز قبل از شب برات زیورات و لباس‌های فاخر خریده و در شب برات در خوانچه‌یی زیبا برایش می‌فرستند.

به اعتقاد مردم ما شب برات، شب مبارک، شب رحمت، شب رسول، و شب دوری جُستن از گناهان و نزدیک شدن به خداوند (ج) است. به همین سبب مسلمانان در این شب به خواندن نماز و دعا در منازل، مساجد، خانقاه‌ها و تکیه خانه‌ها می‌پردازند.

چون برات در فرهنگ ما ریشه عمیق دارد. به این مناسبت در این شب محافل شب نشینی ترتیب می‌دهند و خانه‌های خویش را پاک و آراسته می‌سازند. و همچنان خوراک‌هایی را در این شب پخته و به کسانی که در شب نشینی اشتراک کرده بودند توزیع می‌نمایند. در این شب در محافل سرودهای براتی نیز خوانده می‌شد.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. یک گروه در مورد عاشورا و گروه دیگر در مورد شب برات بین خود صحبت کنند.

پرسش‌ها ؟؟

- مراسم عاشورا در بعضی جا‌های کشور ما چند روز دوام می‌کند؟
- شب برات در فرهنگ ما چه جایگاهی دارد؟

کارخانه‌گی



- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. یک گروه در بارۀ عاشورای حسینی و گروه دیگر در بارۀ شب برات از اولیای خود معلومات گرفته در کتابچه‌های خود بنویسند و روز بعد به صنف بیاورند.



درس دهم

شگون های مردم

- شگون چیست؟

آیا می دانید که برخی مردم برگزاری محافل را در بعضی اوقات و روزها سعد و در برخی نحس می پندارند؟

شگون در فرهنگ کهن و اعتقادات مردم عوام به معنی فال گرفتن به نیک و بد است و هیچگونه صبغه و اساس دینی ندارد.

نتیجه خوب یک فال گرفتن را شگون خوب و نتیجه بد آنرا شگون بد می گویند.

شگون در اصل به معنای خجسته گی، بخت خوش، برکت، طالع مندی، نیکی و خوبی است. وقتی کسی بگوید: "این کار شگون خوب دارد" یا بگوید: "شگون بد دارد" در حقیقت به خوبی یا بدی همان کار پیش بین می شود.

مثلاً: کسی در سفر روباه را ببیند آنرا شگون خوب و اگر گریه سیاه را ببیند شگون بد می پندارد.

شاعران در باره شگون و تفاعل سروده های زیبا دارند که هر کدام مفهومی را افاده می کنند، قرار زیر:

صبح هفته اگر جام لاله گون باشد	تمام هفته به عیش و طرب شگون باشد
آسیبی از خمار نیابد تمام عمر	هر کس که از کف تو ایای شگون کند
بگرفته ام شگون، تپشی تازه در دل است	شاید که آب رفته باز آید به جوی ما

فال زدم که از هوس کشته شوم یک نفسی هم ز لب تو این سخن به که شگون نهد کسی
خوش بود حافظ و فال و مراد و کام
این هم چند مثال از شگون های مردم ما:
صدای جُغد و صدای زاغ، شگون بد
پوشیدن جامه نو در سال نو، شگون نیک
آذان دادن بی وقت خروس، علامه خطر جانی داشتن به صاحب آن
پریدن چشم چپ، علامه پیش آمدن مصیبتی
پریدن خمیر، ایستادن شمه چای، جاروب کردن اطفال خُرد به گونه غیر شعوری، هر کدام
نشانه آمدن مهمان است.
پیدا شدن قطار ناگهانی مورچه در خانه، نشانه کوچیدن صاحبخانه از آن خانه است.
جاروب کردن خانه را در شب، بسته شدن رزق و روزی و نحس است؛ چنان که شاعری
گفته است:
دولت به وقت تیره گی بخت نُکبت است جاروب وقت شام پریشانی آورد.
نشستن به روی لَخک دروازه، ناخن گرفتن در شب، پول دادن در شب، در روز شنبه،
دادن خمیرمایه به روز چهارشنبه سبب و علامه بسته شدن روزی، بدبختی، قرضدار شدن
و نُکبت است.
چوپه دادن پشک در خانه، خاریدن کف دست راست، دیدن ماه نو به روی آب پاک و به
روی شخص خندان، نشانه های ثروتمند شدن، آمدن پول و خوشی است.
همچنان سعد ونحس پنداشتن وقایع و پدیده ها که تقریباً مشابه به شگون است در بین
مردم مروج است؛ چنان که: برگزار کردن محافل خوشی و سرور، رفتن به مسافرت، کار

جدیدی را آغاز کردن در روزهای دوشنبه و پنجشنبه را سعد و مایه خوشبختی و سرانجام نیکو می‌دانند. و شاید هم عنعنۀ دوشنبه بازار و پنجشنبه بازار ناشی از همین اعتقاد و پندار مردم به سعد بودن دو روز یاد شده در بین مردم بوده است.

به همین گونه برگزار کردن محافل ازدواج، نکاح و عروسی را در فاصلۀ بین عید رمضان و عید قربان مایه بدبختی به عروس و داماد می‌پندارند؛ همچنان بعضی مردم در ماه محرم بعضی در دهۀ اول تا سپری شدن روز عاشورا و برخی هم تا چهل روز محافل سرور و خوشی برگزار نمی‌کنند.

بعد از فوت یکی از نزدیکان عروس و داماد برخی مردم تا یکسال و بعضی ها حد اقل تا گذشتن عید اول، محافل خوشی عروسی برپا نمی‌کنند و بعد با اجازه آن خویشان خود به عروسی می‌پردازند. البته همه این ها که گفتیم باورها و پندار های مردم در طی قرون و زمانه هاست و هیچگونه صیغه شرعی ندارد.

رفتن به نزد فالبین و باور کردن به گفته های وی با عقاید و ارزش های اسلامی در تناقض قرار دارد و برای فرد مسلمان شایسته نیست که به اینگونه خرافات عقیده داشته باشد.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان سایر پندارها و باور هایی را که مردم سعد و نحس می دانند بیان کنند.
شاگردان شگون های دیگری را که در کتاب ذکر نشده و در بین مردم مروج است، یادداشت کنند.

پرسش ها

- شگون در فرهنگ ما چه معنی دارد؟
- در فرهنگ عوام کدام امور و اعمال، مناسبت ها و تصادفات را آورنده شگون نیک و کدام ها را آورنده شگون بد تلقی می کنند؟
- شاعران در باره شگون ها چی گفته اند؟
- هر شاگرد یک یا چند شگون مردم را به دیگران توضیح بدهد.

کارخانه گی



- هر شاگرد چند شگون مردم را جمع آوری نموده، در کتابچه های خویش بنویسند.



درس یازدهم

مراسم سوگواری و نذر

- در سوگواری چه ملحوظاتی باید رعایت شود؟

الف: سوگواری

وقتی یکی از عزیزان خانواده یی وفات کند در فرهنگ ما و بین مردم معمول است که همه خویشاوندان اهل محله، گذر قریه به خانه متوفی جمع می‌شوند و مراسم تکفین و تدفین را با راهنمایی امام محله انجام می‌دهند و بعد میت را می‌برند و در گورستان دفن می‌کنند. در اکثر دهات و روستاهای وطن ما در خانه سوگوار تا سه روز غذا پخته نمی‌کنند و در این مدت همسایه گان غذا می‌آورند.

در روز سوم، در خانه عزادار به نام خیرات غذای فراوان می‌پزند. همه اهل قریه و محله می‌آیند و می‌خورند. متأسفانه در برخی موارد در طول چندین هفته و ماه زن های قریه گروه گروه به خانه متوفی می‌روند و دسته جمعی به آواز بلند به نوحه گری و ماتم می‌پردازند و هر کس غم عزیز از دست رفته خودش را می‌نالد که این امر با سنت سوگواری اسلامی منافات دارد.

در روز چهارم خیرات بزرگی می‌کنند و در آن عده زیاد مردم از قریه های دور و نزدیک جمع می‌شوند و نان می‌خورند و بعد از پوره شدن یکسال باز هم خیرات بزرگی داده می‌شود. در شهرها خرچ و مصارف این خیرات و صدقات بسیار هنگفت و کمر شکن است و دردهات هم از آن کمتر نیست.

هم در روستاها و هم در شهرها اکثراً فامیل های کم بضاعت برای انجام این مراسم مجبور می‌شوند قرض و وام کنند، جایداد های خود را بفروشند تا این سیالداري را به جای کنند. گر چه علما و خطیبان در منبرهای مساجد احکام شرع شریف را همیشه تبلیغ می‌کنند و بیهوده گی سیالداري و مصارف بیجا را به مردم می‌گویند، مع الاسف مراسم با آن افراط و زیاده روی هنوز هم در بین مردم ما دوام دارد.

ب: نذر

نذر کردن در جامعه ما از چه مفهومی برخوردار است؟ در فرهنگ ما بعضی مردم به امید و آرمان حل مشکلات و برآورده شدن حاجات خود نذری به گردن می‌گیرند و بعد از برآورده شدن آن حاجت به ادای نذری که به عهده گرفته بودند، می‌پردازند.

اساساً نذر در فرهنگ اسلامی یک امر پسندیده است؛ ولی صورتش آن است که مثلاً کسی

نذر کند که اگر مشکلش رفع شد در راه خدا یک گاو را خیرات می‌کند و یا مبلغ معین پول را صدقه می‌دهد؛ اگر مشکلش مرفوع گردید بالایش واجب می‌گردد که مطابق نذر خود عمل کند اما در فرهنگ عوام ما انواع دیگری از نذرها هم وجود دارد که به تعلیم دین ربطی ندارند.^(۱)

انواع این گونه نذر ه‌اقرار زیر است:

نذر مشکل کشا، نذر سخی جان، نذر بی بی سرخروی، نذر پیر بلند، نذر لب آو، نذر سمنک، نذر دوازده امام، نذر دیگچه، نذر فاطمه زهرا، نذر بی بی زینب، نذر چادر بی بی، نذر هفت میوه و بسیار نذر های دیگر که در بین مردم خاص‌ا زن ها مروج است؛ در صورتی که هیچ گونه جنبه دینی ندارند. و پیروان این فرهنگ ادای نذر را با ذبح نمودن گوسفند، پختن (حلوا، کاجی، شله زرد، شله سفید، شیر برنج، نان روغنی) کشمش نخود ایفا می‌کنند و یا به زیارت می‌روند و در آنجا به غربا و مساکین غذا یا پول خیرات می‌دهند. این نذر ها هر کدام در محل و وقت خاص و مراسم خاص ادا می‌گردند که در زیر طور نمونه نذر مشکل کشا را می‌بینیم:

نذر مشکل کُشا

زنی که نذر به عهده گرفته دسترخوانی در خانه خود هموار می‌کند و مقداری کشمش نخود در روی آن می‌گذارد. هفت زن به دور دسترخوان می‌نشینند و کشمش نخود را هفت تقسیم می‌کنند و قبل از خوردن آن افسانه این نذر را یکی از این هفت زن می‌گوید و بعد کشمش نخود نذر را با چای می‌خورند. معلم در مورد سوگواری و نذر از نگاه فرهنگ اسلامی توضیحات بدهد.

فعالیت داخل صنف

– یک شاگرد در مورد مصارف سوگواری و شاگرد دیگر در مورد نذر صحبت کند.

پرسش‌ها

– آیا مصارف زیاد در سوگواری درست است؟ در نذر چطور؟

کارخانه گی

– شاگردان در مورد فلسفه سوگواری و نذر از علما معلومات گرفته در کتابچه های شان بنویسند و با خود به صنف بیاورند.

۱- از نگاه اسلام نذر تنها به نام خداوند ﷻ جواز دارد، طریقه اجرا کردن نذر که در متن بیان شده است، کدام اساس شرعی ندارد بلکه؛ محض رسم و رواج مردم است.

خلاصه فصل اول

- سال نو و میله دهقان قدیمی ترین و گسترده ترین رسوم مردم ما، عنعنه یی است بر خاسته از مجموعه شرایط طبیعی محیط زنده گی مردم در پهنه جغرافیای فرهنگی آریانای قدیم بدون وابستگی خاص به هیچ قوم و گروه.

- در شب اول ماه حمل مردم سفره های خود را به استقبال سال نو با هفت نوع خوراک می آریند که به نام سفره «هفت سین» یاد می شود.

- میله و تفریح به منظور رفع خستگی، تجدید قوای جسمی و روحی برای انسان ها بسیار ضرور است. با کیفیت ترین موسم میله، بهار است که تمام طبیعت روح تازه یافته و آغوش زیبا و با طراوتش را برای پذیرایی انسان باز می کند.

- تولد نوزاد در خانواده های هموطنان ما سبب خوشی و مسرت زیاد شان می گردد، که هنگام به دنیا آمدن شان جشن می گیرند و خوشی می نمایند.

یکی از مراسم معروف و مشهور که در مورد نوزادان پسر بین هم وطنان ما مروج میباشد ختنه سوری است که انجام آن هم از نگاه معتقدات اسلامی و هم از لحاظ صحتی ضروری است.

مردم ما به امید حل مشکلات و بر آورده شدن حاجات نذری به گردن می گیرند و بعد از بر آورده شدن آن حاجت به ادای نذری که به عهده گرفته بودند، می پردازند.

مراسم عروسی و ازدواج در وطن ما از انتخاب دختر شروع شده با خواستگاری، شیرینی خوری، چله بدلی، فرستادن خوانچه های سال نو و عید ادامه می یابد. سپس مراسم حنا بندان، شب نکاح و محفل عروسی با ساز و برگ و خوشی و سرور بر پا می گردد و بعد از صرف طعام خطبه نکاح با اشتراک شاهدان و وکیل در حضور شاه داماد و عده زیاد مدعوین و دوستان توسط مولوی محل خوانده می شود و بعد عروس را با مراسم خاص به خانه بختش می برند.

مردم ما در ماه مبارک رمضان روزه می گیرند، مراسم عید رمضان و عید قربان را به طرز خاص بجا می کنند. از عاشورای حسینی تجلیل به عمل می آورند.

فال گرفتن و شگون ها جزو زنده گی اجتماعی مردم است؛ همچنان مراسم سوگواری را با مصارف هنگفت بر پا می دارند.

اهداف فصل دوم

در این فصل شاگردان باید:

به روح و محتوای سرودها، ترانه ها و دوبیتی ها آگاه شوند، به روحيات مردم ما، آرزو ها و تمایلات آنها در طول زمانه های گذشته پی ببرند.

شاگردان بدانند که به کار بردن لطیفه، فکاهی، طنز و کنایه در گفتار روزانه مردم چه کیفیتی و لذتی به زبان و معاشرت مردم ایجاد می کند؛ همچنان طنز گویان، لطیفه و فکاهی گویان کلاسیک و معاصر جامعه خود را بشناسند.



فصل دوم سرودها و مطایبه ها

درس دوازدهم

سرودها

- شما چقدر سرود یاد دارید؟

سرودها یکی از انواع شعر مردم است که آهنگ و وزن خاص دارند و در میان مردم بسیار معمول و مروج اند. هر بند از سه، چهار مصرع زیاد نیست. آنرا با ساز و آواز می خوانند. سرودها طی سده های متمادی توسط گوینده گان نا معلوم و با استعداد سروده شده و نسل به نسل به مارسیده است.

سرودها از نظر محتوای خویش بسیار غنی و پرمایه استند و به صفت یکی از بخش های عمده فرهنگ معنوی مردم ما حایز اهمیت فراوان می باشند. از طریق سرودها مردم همیشه باهم درد دل می کنند و می خواهند با سرودی سوز، فشار و عقده های دل خود را بکشایند، تبارز دهند تا تسکین و تسلی خاطری برای شان دست دهد. سرودها و ترانه ها چاشنی همه خوشی ها و غم و غصه های مردم است.

دربین مردم ما هیچ بزمی، محفلی، مجلسی، شب نشینی ای، میله یی و جشنی نیست که در آن سرودها و ترانه ها زمزمه نشود. سرودها هم مانند دیگر انواع ادبیات عامیانه مردم بیانگر آرمان ها، آرزوها، خواسته ها، امیدها، باورها و اندیشه های دیرین مردم می باشد. سرودها در واقع مُثُل عشق و علاقه مردم به زنده گی است.

یکی از این سرودها، سرود «بیا بچیم انگور بخو!» است که در زمان جنگ دوم افغان و انگلیس سروده شده، قرار آتی است:

جنگ انگريز و افغان است	بيا بپيم انگور بفو!
محمد جان مرد ميدان اس ^۱	بيا بپيم انگور بفو!
سبزي تاكه ببي!	دل هاي پاكه ببي!
كارما چنگيدن اس	الفت فاكه ببي!
ايوب خان شير غران اس ^۲	بيا بپيم انگور بفو!
ميرپچه باروت رسان اس ^۳	بيا بپيم انگور بفو!
خواب ما برسر سنگ	عشق ما غيرت و تنگ
قوت ما توت و تلفان	كار ما قتح است و جنگ
سربازي كار مردان اس	بيا بپيم انگور بفو!
آزادي فتر افغان اس	بيا بپيم انگور بفو!
باغ بي ديوار ما	شرشر آبشار ما
جلوه ها داده به تاك	خوشه پر بار ما
حسيني حسن خوابان اس	بيا بپيم انگور بفو!
كشمشي نقل ميدان اس	بيا بپيم انگور بفو!
نوش جان كن مرهم اس!	طول هر خوشه بپيم
چارك كه كم در كم اس	بيا بپيم انگور بفو!
غوله دارن غول بيابان اس	بيا بپيم انگور بفو!
قيمتش خيلي ارزان اس	بيا بپيم انگور بفو!

۱- غازي محمد جان خان وردك

۲- غازي محمد ايوب خان فاتح ميوند

۳- غازي ميرپچه خان كوهدامني

دوبیتی ها و ترانه ها

شما چند ترانه یاد دارید؟

ترانه ها و دوبیتی ها که همیشه در فرهنگ ما با زنده گی مردم همراه بوده است، نمایانگر و انعکاس دهنده آرمان ها، آرزوها، عواطف و احساسات لطیف و پاک آنان بوده است. انسان ها همیشه مشتاق شنیدن و خواندن دوبیتی و ترانه ها اند؛ به خصوص وقتی، که با موسیقی دلنشین سروده شود.

آن دوبیتی ها و ترانه هایی که در عشق وطن، ترانه های حماسی که برای استقلال و آزادی وطن، فرزند، محبوب و معشوق سروده شده باشد کیفیت خاص دارد. پایه و اساس ترانه ها و دوبیتی ها بر محور وطن دوستی، دفاع از وطن در برابر اجانب و بیگانگان گذاشته شده است و در واقع آئینه تمام نمای عواطف، احساس، شور و جذبه، هیجان، عشق و علاقه انسان به زنده گی، وطن و زیبایی های طبیعت می باشد که به شکل ترانه ها و دوبیتی ها از اعماق قلب سرچشمه گرفته و مانند شراره به بیرون زبانه می کشد.

ترانه و دوبیتی مانند بال پرواز است که خواننده و سراینده آن به وسیله این بال می خواهد خود را از قعر فشار های محرومیت و ناکامی نجات دهد و در قبال آن آرمان و آرزوی رسیدن به هدف را تبارز دهد.

در زیر نمونه هایی از ترانه ها و دوبیتی های مردم را می خوانیم:

چو مرغای لب دریا بگردم
همه جور و من تنها بگردم

بهار آمد که من شیدا بگردم
پلنگ در کوه و آهو در بیابان

آشفته کدی خود به مثل گفت
آهسته گیرم از تو نریزد پر

ای جور جان خانه گرفتی در بر
شاهین شوم و ترا گیرم از لب جر

هر جاکه روم مهر تو در جان منست
آن آب روان دیده گریان منست

این گل چه گلی است که در گریان منست؟
هر جا که روم آب روان پیش آید

یک حرف شیرین از تو شنیدن مشکل
جان دادن و از تو گپ شنیدن مشکل

ای دوست به پیش تو رسیدن مشکل
دل دادن و مهر تو خریدن آسان

فعالیت داخل صنف

- شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند:
- گروه اول سرود های میهنی را
- گروه دوم ترانه هایی که در محبت و دوستی فرزندان سروده شده است
- گروه سوم در مورد قهرمانی های اجداد ما
- گروه چهارم در مورد طبیعت زیبای وطن را یاد داشت کنند و نماینده های هر گروه آنرا در پیشروی صنف بخوانند.

پرسش ها ؟

- در سرودها و ترانه ها احساسات و عواطف مردم چگونه تبارز داده شده است؟

کارخانه گی

- هر شاگرد با اولیای خانواده خود و بزرگان در تماس شده از آن ها و یا آن منابع و مراجعی که از آن ترانه ها، دوبیتی ها و سرودها به دست آمده می تواند معلومات گرفته، ثبت نمایند و روز بعد با خود به صنف بیاورند و به معلم بسپارند.

لطیفه، فکاهی، ظرافت، بدیهه گوئی و حاضر جوابی

- لطیفه و فکاهی گوئی در مجالس چه کیفیتی دارد؟

لطیفه و فکاهی

لطیفه و فکاهی سخن و نکته نغز، رسا، نیکو و پسندیده است که گفتن و شنیدن آن باعث شادی و انبساط خاطر می گردد؛ همینگونه فکاهی خوشی و خوش منشی را نیز می گویند. در فرهنگ ما مردم در روزهای خوشی مانند عید ها، عروسی ها، جشن ها و دیگر محافل سرور گردهم می آیند، سخنان ملیح، خنده آور، لطیفه و فکاهی می گویند، می خندند و شادی می کنند. بعضی ها در گفتن لطیفه و فکاهی مهارت و استعداد خاص دارند؛ آنچنان که هرسخن و هر ادا و حرکت شان خنده آور است.

در حوزه فرهنگی که ما زنده گی می کنیم در گذشته ها از اینگونه چهره های جالب و دلچسپ فراوان حضور داشته اند که همیشه باعث گرمی و نقل مجالس بوده اند. مانند: عبیدزاکانی، نصرالدین افندی، شعبان، صمد آغا، اسمعیل سیاه و امثال آن؛ که همه با اسما و حکایت های خنده آور آن ها آشنا هستند. از آن جمله مشهور ترین آن ها شخصیت افسانوی نصرالدین افندی است.

نصرالدین افندی شخصیت افسانوی، قهرمان لطیفه و فکاهی، او مردی بوده بذله گو، ظریف، دانشمند، صاف دل، صاحب حضور ذهن فوق العاده که سخنان نغز و لطیفه های خود را در لباس طنز و لفافه طوری می گفته، که در عمق و جوهر آن پند، حکمت، اندرز، اخلاق و ادب نهفته بوده.

نصرالدین افندی از دروغ، مکر، فریب، ظاهر سازی، تکبر و خود بینی بیزار بوده است. او مرد رسالتمند و حکیم بوده و عمرش برابر زمانه هاست. تمام مردمان کشور های همسایه حوزه فرهنگی ما او را دوست دارند و هر کدام او را از خود می دانند و به نام های خواجه نصرالدین، مشفق، نصرالدین افندی یاد می کنند.

بیشتر از دوهزار لطیفه را به او نسبت می دهند.

در زیر لطیفه یی را می خوانید که به زن نصرالدین افندی نسبت می دهند.

می گویند: زن نصرالدین افندی سوزن خود را گم کرده بود و در کوچه آنرا می پالید. زن همسایه که او را دید، پرسید چه گم کرده ای که می پالی؟ او گفت: «سوزن خود را گم کرده ام». زن همسایه گفت: «سوزن را در کوچه گم کرده ای؟» گفت: «نی در خانه گم کرده ام». زن همسایه گفت: «سوزن را در خانه گم کرده ای و آنرا در کوچه می پالی؟» زن افندی گفت: «به نسبتی که خانه تاریک است.»

در کشور عزیز ما نیز شخصیت های ظریف و بذله گو زیاد بودند و از آنجمله یکی اسمعیل سیاه است. اسمعیل سیاه از هرات بود. او مرد سیاسی، شاعر، بذله گو و ظریف بوده که نکته های انتقادی را در لفافه لطیفه و ظرافت بسیار دقیق ارایه می کرده است؛ چنان که بذله ها و ظرافت های او در مورد "مستوفی استفاده جو، تشبیه کردن اسمعیل به قانغوزک و جواب دادن او" و بسیاری دیگر، مشهور است.

بدیهه گویی (حاضر جوابی)

بدیهه گویی و زود جواب دادن مطلبی یا پرسشی هم از سخنان ظریف، نیکو و خوش طبعی است، که بدون تأخیر، تفکر و آماده گی قبلی جوابی به زبان آوردن است. صدها و هزار ها نمونه آن در جامعه ما بین مردم گفته و شنیده شده است. ما اینجا یک نمونه آنرا می آوریم. می گویند صائب تبریزی هنگامی که از هند به کابل بر می گشت، در سفر یک اسب و یک مرغ نیز با خود داشت. وقتی به منطقه کمری کابل رسیده دهقانی را دیده، که در میان پالیز خود مصروف جمع آوری خربوزه است.

دهقان که صائب را دیده پیش رفته، او را «خوش آمدید» گفته و پرسیده که «چه؟ برایش بیاورد؟» صائب گفته است: «چیزی بیاورید که هم خودم، هم مرغم و هم اسبم بخوریم و سیر شویم.» دهقان فوری چند دانه خربوزه شیرین برایش آورده و گفته است: «مغز خربوزه را خودت بخور! تخم آنرا به مرغت و پوچاقش را به اسبت بده» صائب بادیدن خربوزه، با ذوق زده گی فی البدیهه با ظرافت و شوخی شاعرانه گفته است: هرگز ثمری نیست نهال کمری را.

دهقان فوری جواب داده:

از بس که ثمر داشت نهالش کمری شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و هر کدام لطیفه یی بگویند و در کتابچه های شان بنویسند.

پرسش ها

– نصرالدین افندی کی بود؟

کارخانه گی

– شاگردان هر کدام هر قدر لطیفه، ظرافت، و بدیهه گویی هایی که در خانواده، محیط و محله شان مشهور است، خاصا از اسمعیل سیاه را، ثبت نموده و به صنف بیاورند.

۱ – صائب تبریزی در مورد کابل قصیده زیبایی به مطلع زیر سروده است:
خوشا عشرت سرای کابل و دامان کهسارش – که ناخن بردل گل می زند مژگان هر خارش



درس چهاردهم

طنز

- طنز چگونه گفتاری است؟

طنز گویی یکی از شیوه ها و گونه های خاصّ افادهٔ بدیعی و ظریفانه در فرهنگ دیرینهٔ مردمان ماست. این طرز بیان مردم که به شکل منظوم و منثور گفته شده است، نمایان گر تیز هوشی، آگاهی، شوخ طبعی و ذکاوت آن هاست. بعضی مردم با ظرافت فطری ای که دارند، آن نکته هایی را که نمی شود مستقیم به قدرتمندان بگویند، در جامهٔ طنز و کنایه در قالب الفاظ و عبارات لطیف و در عین حال قاطع و بُرنده، می گویند.

در طنز با به کار بردن کلمات، عبارات و افاده های لطیف، روان و قاطع کاستی ها و نابه سامانی های زندگانی اجتماعی را زیر آماج قرار می دهند.

هدف و مرام طنز گفتن در فرهنگ ما مبارزه با بدی ها، نارسایی ها و نابه سامانی های اجتماعی می باشد. در طنز معمولاً ادا، رمز و اشارهٔ لطیف نقش بازی می کند. اگر قرار باشد که طنز گویی عیبی، ظلمی و یا نارسایی ای را با نیشخندی به کار بگیرد، مطلب را با سازوکار های دقیق و ادبی به میزان عقل و منطق سنجیده با مهارت تمام در جامهٔ زیبای طنز می آراید و می گوید، که انسان را بی اختیار به خنده و شادی می برد.

طنز گویی همیشه دو پهلوی و دو هدف دارد. یک پهلوی آن خنده و شادی و پهلوی دیگرش تمسخر است و مانند خنجر تیزی بر کسی که طنز به سوی اوست وارد می شود. طنز به تعبیر دیگر فاخر ترین شوخ طبعی است. طنز از فحش و هجو مُبرّاست. چون طنز همیشه دو منظور و دو پهلوی دارد به این سبب آنرا:

گریستن قاه قاه و خندیدن آه آه گفته اند.

در ادبیات حوزه بزرگ فرهنگی ما طنز گویان و طنز نویسان زیادی بودند، که مردم با نامهای آنها آشناستند مانند:

اسمعیل سیاه(هراتی)، اکرم عثمان و جلال نورانی کابلی، عبدالواحد نظری قندهاری، صوفی حیدر بدخشانی، عزیز نیسن؟ و شعبان ترک، صمد آغا و طنز گوی افسانوی حوزه فرهنگی ما نصرالدین افندی است.

دیگر طنز گویان مشهور دنیا چارلی چاپلین و مستر بین هستند.

فعالیت داخل صنف



- هر شاگرد طنزی را یاد داشت کرده و در فرصت مساعد در پیشروی صنف بگوید.

پرسش‌ها

- اسمعیل سیاه را می‌شناسید؟ از طنز های او چند تا یاد دارید؟
- کتاب های عزیز نیسن؟ نویسنده ترک را خوانده اید؟ قصه های آنرا بگویید.
- نصرالدین افندی از کدام کشور بود؟

کارخانه گی



- هر شاگرد درمورد طنز گوی ها و طنز نویس های وطنی و جهانی معلومات جمع آوری کرده و روز دیگر با خود بیاورد.
- هر قدر طنز نویس و طنز گوی که در محیط و منطقه شما هست اسما و کار نامه های شان را نوشته روز دیگر با خود به صنف بیاورید.



درس پانزدهم

کنایه و اصطلاح

- کنایه چیست؟

الف: کنایه

کنایه معنی پنهان و پوشیده یک عبارت را افاده می‌کند، که در آن به جای این، که از چیزی یا کسی مستقیماً نام ببرند و یا کاری و عملی را به گونه آشکارا و واضح بیان نمایند، یکی از لوازم مربوط آن کس و یا کاری را که از صفتی حاصل می‌شود و یا نتیجه عملی را بیان می‌کند، به طور غیر مستقیم به مخاطب می‌شنوند. به عبارت دیگر کنایه به سخنی گفته می‌شود که به غیر معنی خودش به معنا و مدلول دیگری دلالت کند و یا به کار برده شود. مانند: «حسن غمکش» که ظاهر کلمه غم کشیدن حسن است و در معنای کنایه وی به کسی گفته می‌شود، که به هر موضوع، به جاو بیجا دلخوری و نگرانی نشان دهد.

مثال هایی از کنایه ها

- از شرم آب شدن - یعنی شرمنده شدن.
- آب زیرکاه - آدمی که فتنه ای را با چهره آرام ایجاد کند.
- آتش افروختن (دا من زدن) - کنایه از جنگ افروزی و اسباب فتنه را مهیا کردن است.
- بوسه به پیغام - کنایه به کاری که از روی سهل انگاری و بی اعتنائی اقدام شود.
- با پنبه حلال کردن - خشونت یا جنایتی را با ظاهری آرام مرتکب شدن.
- باسوزن چاه کردن - کوشش کم و بیهوده را برای انجام امری بزرگ گویند.
- گرگ باران دیده - آدم پخته سالی که تجربه زیاد در کارها داشته باشد. غالباً تجربه های منفی.
- رگ خواب کسی را یافتن - کنایه به مزاج و روحیات کسی پی بردن.
- شاخ کشیدن - کنایه به تعجب زیاد در امری که وقوع آن از نادرته باشد.
- به سرکسی کلاه گذاشتن - فریب دادن طوری که طرف مقابل پی نبرد.
- یک زاغ را چهل زاغ کردن - کنایه به بزرگ جلوه دادن موضوعی. مثلی که از کاهی، کوهی ساختن.

ب: اصطلاح

مقرر داشتن معنی و مفهومی برای لفظی غیر از معنی اصلی آن است، به تعبیر دیگر به کلمه ای که در فنی یا عملی معنی خاص غیر از معنی اصلی داشته باشد به کار می‌رود. در

اصطلاح فاعل معلوم نیست و خودش صفت یک شی است. همچنان اصطلاح عبارت صیقل یافته و ریخته (قالبی) است و مانند مقوله و ضرب المثل ترکیب استوار دارد و در فرهنگ ما هزار ها از این اصطلاحات و عبارات صیقل یافته وجود دارد، که در زیر به طور «مشت نمونه خروار» یک تعداد از آن ها را با موارد استعمال شان می خوانیم:

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| - آهن سرد کوبیدن | - در خمیر موی پالیدن |
| - از پشت ورق خواندن | - دست در خانه زنبور زدن |
| - از دریا دوغ بخشیدن | - دندان بر جگر گذاشتن |
| - انگشت به دندان گرفتن | - دهان باز ماندن |
| - بایک تیر دو فاخته زدن | - دیوار نمکش |
| - پشت نخود سیاه روان کردن | - روز سیاه و زر سفید |
| - پیش جر و پس تبر | - زیر کاسه نیم کاسه |
| - پیش پای بین | - سر کلاه را گم کردن |
| - تیشه به ریشه خود زدن | - غلام حلقه به گوش بودن |
| - جواب دندان شکن دادن | - کلاه خود را قاضی کردن |
| - چلو صاف از آب برآمدن | - کلوخ مانده از آب تیر شدن |
| - خپک زیربوريا | - مگس هر دوغ شدن |
| - خینه بعد از عید | |

فعالیت داخل صنف

- دو شاگرد به پیشروی صنف رفته یکی چند کنایه و دیگری چند اصطلاح را بگویند.

پرسش ها ؟

- استعمال کنایه و اصطلاح در محاوره روزانه چه کیفیتی دارد؟

کارخانه گی

- شاگردان از اولیای خود کنایات و اصطلاحات را پرسیده و در کتابچه های شان بنویسند.

خلاصه فصل دوم

سرود ها یکی از انواع شعر مردم است که آهنگ و وزن خاص دارند و طی قرون متمادی توسط گوینده گان نا معلوم و با استعداد سروده شده و نسل به نسل به ما رسیده است. سرود ها از نظر محتوای خویش بسیار غنی و پر مایه هستند و به صفت یکی از بخش های عمده فرهنگ معنوی حایز اهمیت فراوان می باشند. از طریق سرود ها مردم همیشه باهم درد دل می کنند. سوز، فشار، محرومیت ها و عقده های دل خود را می گشایند. لطیفه و فکاهی سخن و نکته نغز، رسا، نیکو و پسندیده است که باعث شادی و انبساط خاطر می گردد. در فرهنگ ما مردم در روز های خوشی مانند، عروسی، جشن ها، عید ها و دیگر محافل گردهم می آیند، سخنان ملیح، خنده آور، لطیفه و فکاهی می گویند. طنز گویی یکی از شیوه ها و گونه های خاص افاده بدیعی و ظریفانه در فرهنگ دیرینه مردم ماست.

این طرز بیان مردم که به شکل منظوم و منثور ایجاد شده است، نمایانگر تیز هوشی، استعداد، آگاهی، شوخ طبعی و ذکاوت آن هاست. در طنز بابه کاربردن کلمات، عبارات و افاده های لطیف، روان و قاطع کاستی ها و نا به سامانی های زنده گانی اجتماعی را زیر آماج قرار می دهند.

طنز گویی همیشه دو پهلوی و دو هدف دارد. یک پهلوی آن خنده و شادی و پهلوی دیگرش تمسخر ادبی و اخلاقی است.

اهداف فصل سوم

در این فصل شاگردان انواع خوراکی هایی را که در بین مردم پختن آن مروج است می شناسند. و شاگردان این مطلب را نیز می دانند که غذا ها از موادی مانند سبزی جات، میوه جات، حبوبات، لبنیات، گوشت ماهی، پرند گان و حیوانات پخته می شود؛ همچنان غذا های سنتی و عنعنوی را که از این مواد و یا ترکیب چند مواد پخته می شود می شناسند و اهمیت آنها را به خوبی می فهمند و همچنان غذا هایی را که به مناسبت های مختلف مانند سال نو و امثال آن پخته می شود؛ مانند: سمنک، هفت سین، قولوترش، دنده کی و غیره می شناسند.



تصویر (۳۰)



فصل سوم خوراکی ها

درس شانزدهم

انواع غذا ها در وطن ما

- خوردن کدام غذاها در وطن ما بسیار مَرُوج است؟

مردم ما غذای خود را از سبزی جات، حبوبات، میوه جات، شیر و محصولات آن. تخم مرغ، ماهی، گوشت پرنده گان، گوشت حیوانات و برنج تهیه می نمایند.



تصویر (۳۱)

این مواد را یا جدا جدا می پزند و یا مخلوطی از این مواد را. مثلاً لبنیات را با برنج، سبزی جات را با گوشت، سبزی جات را با خمیر و صدها نوع غذاهای ترکیبی مخلوطی از دو، سه و بیشتر مواد تهیه می کنند.

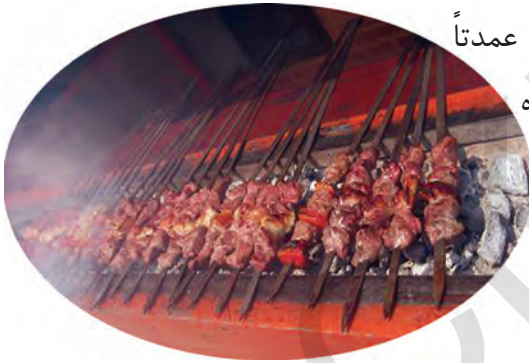
گندم، جو، جواری را آرد نموده از آن نان خشک می پزند که انواع مختلف آن در وطن ما عبارت است از نان تندوری، نان خاصه، چپاتی، پنجه کش، فطیر، نان روغنی، انواع

کلچه ها، نان بربری و امثال آن .

قابل یاد آوری است که مردم ما نسبت به مردمان دیگر کشورها نان خشک زیاد می‌خورند. حبوبات را به صورت دلدۀ و جوشانده می‌خورند. مانند گندم، ماش. لوبیا، باقلی، عدس، نخود و امثال آنرا یا می‌جوشانند و یا به شکل قورمه می‌پزند.

خوشۀ جواری را هم جوشانده و هم بریان یا پُله بریان می‌کنند.

می‌گویند در گذشته ها بعضی خانواده ها آرد جواری را زیاد معطل می‌کردند؛ تا تلخ شود و خوردنش مشکل گردد، که کم تر مصرف شود.



مصرف برنج در وطن ما زیاد است و عمدتاً به شکل شُله و پلو سیر روغن خورده می‌شود. مردم کم بضاعت به شکل شُله می‌خورند و انواع مشهور آن شُله غوربندی، کچری قروت و دنده‌کی است.

تصویر (۳۲)

ثروتمندان به شکل پلو با گوشت، سبزیجات، قورمه، کوفته،

دوپپازه و امثال آن می‌خورند. پلو به انواع مختلف پخته می‌شود که مشهور ترین آن قابلی پلو اوزبکی است.

غذاهای گوشتی عبارت اند از: شوربا، قورمه، کوفته، انواع کباب، دوپپازه، سالند، یخنی، قلیه، گوشت بریان، کله پاچه، جگر بریان و امثال آن.

در دهات و قریه جات گوشت را مردم «قاق» یا «لاندی» می‌کنند.

مفید ترین گوشت ها گوشت ماهی است و بعد از آن گوشت پرنده گان مانند بونده، سی سی، کبک، مرغ دشتی، فیل مرغ وحشی و امثال آن است.

غذاهای خمیری، گوشتی و مخلوط سبزی عبارت اند از: منتو، بولانی، سمبوسه و امثال آن.

کچالو هم در غذای مردم ما شامل است، که آنرا به شکل شوربا، جوشانده، پکوره و چپس صرف می‌کنند.

چون تربیۀ مواشی مانند گاو، بز و گوسفند از قدیم در وطن ما مروج بوده بنابر آن غذا هایی که از شیر



و محصولات آن تهیه می‌گردد، نیز رواج تصویر (۳۳)

داشته به خصوص در فصل های بهار و تابستان.

در ایلبندها آنجا که چشمه سار های آب های شفاف و خُنک جاری است و سر تا سر کوه و پشته و دامنه های ایلبندها همه جنگل علف و گل های خودرو است و گوسفندان و بزها در آن جنگلات پر علف می‌چرند و پستان های شان از شیر مملو می‌گردد.

زن های مالدار روزانه دو مرتبه گوسفندان و بزها را می‌دوشند. شیر را در دیگ های بزرگ چدنی می‌جوشانند و در ظروف دیگر می‌ریزند و در آن مایه علاوه می‌کنند و تا صبح آن شیر به ماست تبدیل می‌گردد و به روی آن یک صفحه قیماق تشکیل می‌شود. قیماق را برداشته ماست را در مشک می‌زنند و به دوغ و مسکه تبدیل می‌شود. بعد دوغ را به چکه و سوزمه و بعداً به قروت تبدیل می‌کنند.

دوغ تازه از بهترین مشروبات در جهان است.

غذا هایی که از شیر و محصولات آن تهیه می‌شود عبارت اند از:

شیربرنج، شیرروغن، قیماق، قیماق بت، کُتْخِی، مسکه و فتیر، روغن جوشی، مالیده، شیرچای، قیماق چای، قروتی، قولوترش و امثال آن.

و غذاهای دیگر که در وطن ما زیاد معمول و عام است عبارتند از:

ایشکنه، شُله، کچری قروت، قروتی، باج، تخم بریان، شوربا، ماهی، جلبی، کله پاچه،

انواع پلو، شوروا برنج، حلوا، آش، منتو، چاینکی، تخم جوشانده، کچالو، جواری جوشانده و انواع زیاد دیگر.



تصویر (۳۴)

فعالیت داخل صنف



– شاگردان به چند دسته تقسیم شوند. یک گروه غذا هایی را که: از لبنیات تهیه می شود، گروه دیگر غذا هایی را که از گوشت تهیه می شود، دسته سوم غذا هایی را که از سبزیجات تهیه می گردد و گروه چهارم غذا هایی را که از برنج پخته می شود را در کتابچه های شان بنویسند.

پرسش ها ؟؟

- کدام نوع غذا ها به صحت و سلامت انسان بیشتر مفید است؟
- در تهیه غذا چه نکاتی باید رعایت کرده شود؟

کارخانه گی



– شاگردان انواع غذا هایی را که در محله و محیط شان پختن آن مروج است، از اولیای خود پرسیده، در کتابچه های شان بنویسند و با خود به صنف بیاورند.



درس هفدهم

غذا های رویداد های خاص

- خوردن کدام غذاها در وطن ما بسیار مروج است؟

می‌گویند غذا از نگاه نوعیت، کیفیت، تهیه و داشتن وسایل و لوازم آن یکی از عناصر مهم فرهنگ یک جامعه می‌باشد؛ زیرا چگونگی فرهنگ جامعه بشری را از غذا، وسایل، لباس، چگونگی ساختمان منازل، وسایط حمل و نقل، عبادتگاه‌ها، جای بود و باش، رسوم، عینیات و غیره می‌توان دانست؛ فرهنگ ممثل عادات، رسوم و رواج‌ها، باورها، دانش، و قوانین رایج در یک جامعه است. از این جهت جامعه‌شناسان چگونگی تهیه غذاها و پخت و پز را یکی از خصوصیات فرهنگ جوامع بشری می‌دانند و به آن اهمیت زیاد قایل می‌باشند. در اینجا طرز تهیه چند نوع غذاهایی را که پختن آن به مناسبت رویداد های خاص در گوشه و کنار وطن ما مروج است به شما معرفی می‌نماییم و این غذاها عبارت اند از: قولور ترش، جوش، دنده کی، گوشت کوچه، سمنک و هفت سین می‌باشد.

قولور ترش و طرز پختن آن

یک اندازه گندم سفید را پاک کرده، شسته، در طشت های بزرگ در بین شیر تر می‌کنند. در سایه یی می‌گذارند و هر روز آنرا زیرو رومی نمایند تا زمانی، که گندم تمام شیر را جذب کند. سپس به روی بوریا یا تکه پاک بازهم در سایه هموار می‌نمایند تا خشک شود؛ سپس آنرا آرد می‌کنند و آرد را با شیر بز به شکل اوماچ مالیده دوباره در سایه خشک

می‌نمایند و بعد از خشک شدن برای زمستان ذخیره می‌می‌کنند.
در روز های بارنده گی و سرد زمستان آنرا با سیر، پیاز، بادنجان رومی، در روغن می‌پزند،
غذای لذیذی تیار می‌شود که آنرا قولوترش می‌گویند.
قولوترش بیشتر در ولایت های هرات و فراه مروج است.
قولوترش برای درمان ریزش بسیار مفید است.

جوش

مردم نورستان غذای مخصوصی به نام جوش دارند و آنرا در مراسم ختم و خیرات، عروسی ها
و غیره می‌پزند.

طرز پختن جوش

گاو را ذبح نموده گوشت آنرا توتۀ توتۀ می‌کنند و در دیگ بزرگی می‌اندازند. بعداً روی
آن آب جوش می‌ریزند و زیرش آتش می‌افروزند و حدود یک ساعت جوش می‌دهند.
سپس گوشت را از آب آن جدا نموده با کارد ریزه ریزه مینماید و دوباره به دیگ انداخته
به آن آرد علاوه نموده و باهم مخلوط می‌کنند و بار دیگر می‌جوشانند تا خوب پخته و
نرم شود زمانی که گوشت با آرد مخلوط شده پخته شد غذای جوش آماده و قابل خوردن
است.

دنده کی و طرز پختن آن

در دیگ روغن می‌ریزند و آنرا سرخ می‌کنند؛ سپس پیاز و بادنجان به آن علاوه نموده
دوباره سرخ می‌کنند؛ بعداً به اندازهٔ ضرورت به آن آب می‌ریزند و بعد از آن برنج شوله‌یی
را با کمی ماش که قبلاً به اندازهٔ ضرورت شسته و آماده کرده اند، در دیگ می‌ریزند. در
حدود یک ساعت دیگ می‌جوشد و برنج و ماش همهٔ آب دیگ را جذب می‌کند و غذا
پخته می‌شود.

سپس این شله را در غوری کشیده بالای آن قروت و مسکه سرخ شده را می‌ریزند و صرف می‌کنند.

این غذای خوش مزه بیشتر در بین مردم ولایت های پکتیا، پکتیکا، خوست، ارگون و کتواز مروج است.

گوشت کوچه

گوشت کوچه نوعی غذایی است که در مناطق میدان وردگ، بهسود و دایزنگی آن را در دهه محرم و یا وقتی، که بعضی از حجاج ثروتمند از حج باز می‌گردند، آن را می‌پزند.

طریق پختن آن

برای پختن گوشت کوچه خوب و با مزه معمولاً گوشت گوسفند و گندم را به اندازه مساوی در نظر می‌گیرند، مثلاً ده سیر گندم را با ده سیر گوشت گوسفند.

اول گندم را پاک می‌کنند، می‌شویند، بعد در دیگ های کلان آب ریخته و گندم را نیز در آن می‌ریزند؛ سپس گوشت را هم در داخل دیگ می‌اندازند، و از اول شب در زیر دیگ آتش می‌افروزند، تا نزدیکی های چاشت روز بعد این پخت ادامه می‌یابد تا زمانی که گوشت کاملاً حل شود؛ چون گوشت در میان آب گندم آنچنان ناپدید می‌شود که هیچ اثری از آن باقی نمی‌ماند. استخوانهای گوشت را از دیگ بیرون می‌کنند.

گندم میان دیگ که به اثر جوشیدن زیاد در بین گوشت بسیار چسپنده می‌شود آنرا در بشقاب ها گرفته به مهمانان تعارف می‌کنند.

گوشت کوچه غذایی بسیار لذیذ و با مزه است.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند و هر گروه در مورد غذا ها بین خود صحبت کنند.

پرسش ها ؟

- غذا ها و خوراکی های رویداد های خاص چگونه غذا هایی است و آنها را به کدام منظور تهیه میدارند؟

- قولوتروش چه گونه غذایی است، آنرا چگونه می پزند و در کدام مناطق کشور رواج دارد؟

- غذای جوش را مردم نورستان چگونه می پزند؟

- گوشت کوچه در کدام مناطق کشور ما و چگونه پخته می شود؟

- دنده کی با کچری قروت چه فرق دارد؟

کارخانه گی



- اگر در مناطق شما کدام نوع غذای خاص دیگر پخته می شود و شما آنرا می دانید در کتابچه های خویش بنویسید و در ساعت آینده به صنف بیاورید.



درس هجدهم

سمنک

- سمنک چیست؟

سمنک با مراسم خاص زنانه به پیشواز بهار و سال نو در خانواده ها پخته می‌شود. طرز تهیه و پختن سمنک: مقداری گندم را پاک کرده، شسته و در ظرفی هموار در فضای آزاد می‌گذارند. باران های نرم بهاری بر آن می‌بارد و گندم در چند روز جوانه زده، ریشه دوانیده سبز می‌شود. وقتی ساقه های گندم به اندازه یک وَجَب قد کشید، این ساقه های سبز را در اوغور می‌چکند و شیرۀ آنرا گرفته در دیگ بزرگی می‌ریزند. مقداری آرد هم به آن علاوه می‌کنند و دیگ را بر روی دیگدانی که زیرش آتش می‌سوزد می‌گذارند. از جمله زن های همسایه، محله، و گذر که در این خانه جمع هستند، زن پخته سال، خوشبخت و خوشرویی کفگیری به دست گرفته محتویات دیگ را پیهم شور می‌دهد و به آروزی گشایش روزی و فراوانی نعمت های خداوندی در سال نو دعا می‌کند. زن های دیگر نیز همگی تا صبحدم نمی‌خوابند و به نوبت سمنک داخل دیگ را شور می‌دهند. دختران جوان هم که در این مراسم اشتراک کرده اند دَف و دایره می‌زنند، و با شادمانی این سرود را با آواز دل انگیز می‌خوانند.

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم

سمنک نذر بهار است میله شب زنده دار است

این خوشی سالی یکبار است - سال دیگر یا نصیب

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم

آروز امشب خروشد سمنک در خود بجوشد

دلخوشی جامه بپوشد - سال دیگر یا نصیب

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم
ایـن گل فصل بـهاران دلخوشی دارد هـزاران
خاصه برشب زنده داران- سال دیگر یا نصیب

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم
بی شکر شیرینی دارد خود به خود رنگینی دارد
طعم خوش چون فرنی دارد- سال دیگر یا نصیب

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم
خوش نماید روبه جوشش دیدنی باشد خروشش
ساجقک دارد به دوشش- سال دیگر یا نصیب

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم
شاهد عیش بهار است موجد شور و شرار است
واجب هر گیسو دار است- سال دیگر یا نصیب

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم
صبحگاهان که سمنک پخته شد آنرا به همسایه ها، اهل گذر، و محله تقسیم می کنند.
رسم سمنک پزی که از قدیم یادگار مانده در کشور عزیز ما با مراسم خاص برگزار می شود.

فعالیت داخل صنف

- یک شاگرد به پیشروی صنف آمده در باره مراسم سمنک پزی در سال نو صحبت کند.

پرسش ها

- سمنک پزی و خوردن سمنک چه کیفیتی دارد؟
- میله سمنک پزی از نگاه فرهنگی چه خصوصیت و ارزش هایی دارد؟

کارخانه گی

- شاگردان از اقارب و خویشاوندان در مورد سمنک پزی و مراسم دیگر سال نو معلومات بگیرند و در کتابچه های شان نوشته با خود به صنف بیاورند.



سفره هفت سین

– هفت سین چیست؟

عدد هفت در فرهنگ و ادبیات ما عدد سعد است و استعمال آن در هفت خوان رستم، هفت طبقه آسمان، هفت مرحله عشق و عرفان، هفت اختر، هفت اقلیم، هفت روز هفته، هفتم عروسی، هفتم میت و امثال آن به مشاهده می‌رسد.

اسپند، شکر، نارنج غوطه ور در آب، تخم مرغ رنگ شده، نان و گلدان است، که هر کدام آن ها نمادی دارند قرار زیر.

۱- سیب: نشانه زاینده گی، عشق و عرفان است.

۲- سنجد: عطر گل سنجد در فضا می‌پیچد، قوای حسی انسان را تحریک می‌کند.

۳- سرکه: نشانه صبر و شکیبایی است.

۴- سیر: نشانه تندرستی، است.

۵- سیزی: نشانهٔ ثمر و برکت است.

۶- سمارق: که به رنگ خورشید در حال طلوع است، مظهر طلوع و آغاز دوباره است.

۷- سمنو: در باره سمنو (سمنک) نقل قول های مختلف است.



تصویر (۳۵)

- ۸- آب: نشانه روشنی دل، باروری، برکت بخشی و پیروزی است.
 - ۹- آینه: نشانه بی از، به خویش نگرستن و به درون نظاره کردن است.
 - ۱۰- ماهی: نشانه تولید، تازه گی، شادابی و تکاپو است.
 - ۱۱- شمع: مظهر فروغ و روشنایی است.
 - ۱۲- سکه: نشانه ثروتمندی و توانگری است.
 - ۱۳- اسپند: نشانه دور کننده زخم چشم و نظر بد است.
 - ۱۴- شکر: برای شیرین کامی همیشگی اعضای خانواده است.
 - ۱۵- نارنج غوطه ور در آب: نشانه قرار داشتن زمین بر روی آب است.
 - ۱۶- تخم مرغ: نشانه آفرینش، نطفه، ثمر و برکت است.
 - ۱۷- نان: نشانه برکت و فراوانی روزی است.
 - ۱۸- گلدان و گل: نشانه زیبایی است.
- در باره سفره هفت سین؛ همچنین گفته شده است که سین ها نشانه صداقت، عدالت، انصاف، رفتار، کردار و گفتار نیک، کامیابی، پرهیزگاری، تقوا و بخشش هستند. به این ترتیب، موهبت های طبیعت ناب در این سفره سال نو خلاصه شده است. و آنچه در طبیعت از زیبایی ها و جود دارد از قدرت های خداوند توانا(ج) مظهري در سفره هفت سین دارد.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان به چند دسته تقسیم شوند و هر گروه خاصیت نشانه ها را در کتابچه های شان بنویسند.

پرسش ها ؟

- سیب و سنجد چی گونه میوه هایی استند؟
- سیر به صحت انسان چی اندازه مفید است؟
- سمارق را می شناسید، چی قسم نبات است؟

کارخانه گی



- شاگردان درمورد آن چه که به نام نشانه ها ذکر شده از اولیای خود معلومات جمع آوری کرده و در کتابچه های شان بنویسند و به صنف آورده بخوانند.

خلاصه فصل سوم

در وطن ما پختن غذا های متنوعی در میان مردم مروج است، که اکثراً از سبزیجات، حبوبات، شیر، برنج، میوه جات و گوشت ماهی، پرنده گان و حیوانات پخته می شود. استفاده و خوردن نان خشک در بین تمام مردم افغانستان مروج است و با اکثر غذا ها همیشه در سفره های مردم موجود است. قولوترش از غذا هایی است که بیشتر در ولایات هرات و فراه مروج می باشد. جوش غذای مخصوص مردم نورستان و گوشت کوچه غذای مردم دایزنگی و هزاره جات می باشد. سمنک با مراسم خاص زنانه به پیشواز بهار و سال نو در خانواده ها پخته می شود. رسم سمنک پزی از قدیم به یادگار مانده است. چیدن سفره هفت سین که به پیشواز بهار و استقبال سال نو صورت می گیرد، سابقه آن به هزاران سال در روزگاران باستان بر می گردد. هفت در فرهنگ و ادبیات ما عدد سعد است و کاربرد آن در هفت خوان رستم، هفت طبقه آسمان، هفت مرحله عشق و عرفان، هفت اختر، هفت روز هفته و امثال آن دیده می شود. هفت سین عبارت است از سیب، سنجد، سیر، سبزی، سمارق، سمنو و سرکه.

اهداف فصل چهارم

در این فصل شاگردان به انواع اراضی و مقدار زمین در خانواده ها و محصولات زراعتی در کشور آشنا شده و چگونگی مناسبات بین زمین داران و کارگران را می‌فهمند. شاگردان به اهمیت باغ‌ها، جنگلات و ارزش صحرای و تأثیر آن در حفظ محیط زیست پی می‌برند.

شاگردان انواع میوه جات مرغوب و ارزش آن میوه های اعلا را در بازار های جهان می‌شناسند و ذهنیت صدور میوه جات وطن ما را به بازار های خارج پیدا می‌کنند.



تصویر (۳۶)



فصل چهارم اقتصاد محلی

درس بیستم

انواع اراضی و طریق کاشتن شالی

- شالی از برنج چه فرق دارد؟

وطن عزیز ما افغانستان عمدتاً کشور کوهستانی است. به جز از برخی از ساحات در شمال و غرب و جنوب غرب کشور در سایر



مناطق اراضی مرتفع است و هر قدر از این اراضی را که مردم قلمه کرده اند به طور للمی گندم و نخود می کارند و حاصل چندانانی به دست نمی آورند.

اما در مناطق هموار که زمین ها از دریاها آبیاری می گردند، مردم

تصویر (۳۷)

زمین ها را گندم، جواری، جو و شالی

می کارند از آن محصول خوب برمی دارند. در مناطق گرم و سیرآب در هر سال دو مرتبه زمین ها محصول خوب می دهند. مقدار زمین های هموار آبی و زراعتی اکثر خانواده ها بسیار کم است و کسانی که خود زمین ندارند، زمین های ملاکین را کشت می کنند و در کشت زمین ها بین زمین دار و دهقان کارگر مناسباتی وجود دارد که یا به طور اجاره است

یا کارگر استخدام شده در محصول هنگام برداشت چهار یک یا پنج یک سهیم می‌باشد. در گذشته‌ها که قلبه کردن زمین با دوگاو، یوغ و اسپار بود فعالیت های کشاورزی به کندی پیش می‌رفت و اکنون که در اکثر مناطق زراعت میکانیزه شده هم کاشت و هم برداشت محصول آسان تر و سریع تر گردیده است. مردم در گذشته‌ها در امور آبیاری و کشاورزی باهم همکاری و به صورت دسته جمعی کار می‌کردند که به نام حشر جوی پاک کنی، گندم درو و امثال آن یاد می‌شد.

به هر صورت:

کاشت انواع غله جات و حبوبات که در اکثر مناطق وطن ما مروج است همه و یا اکثر دهقانان طریق زرع آنرا می‌دانند ولی شالی با وصف آن که بسیار پر منفعت است، همه مردم به کاشت آن بلد نیستند.



در زیر غرض معلومات بیشتر شما طریق زرع و برداشت محصول شالی را معلومات می‌دهیم.

کاشتن شالی و محصول برنج

برنج از محصولات بسیار ارزنده و خوب

کشور ما به حساب می‌آید. این محصول از شالی به دست می‌آید و شالی تنها در آن مناطقی از وطن ما کشت می‌شود که آب فراوان و هوای گرم دارد. چون آب فراوان و هوای گرم از ضرورت های نخستین و دایمی شالی است.

در ولایت های بغلان، کندز، تخار، لغمان، کنر، وردک، غزنی و هرات شالی زیاد کاشته می‌شود.

کاشتن شالی و تربیۀ آن تا تولید برنج، زحمت ، مهارت و حوصلۀ زیاد لازم دارد.

تصویر (۳۸)

به خصوص برنج سدري يا باريك كه
برعلاوه زحمت نهالي شاني و درو به
جوش و تفت نيز محتاج است.

شالي مروج در وطن ما و برنجي كه از
آن به دست مي آيد طور عمده به دو
گونه است كه در ذيل به بيان هر کدام
پرداخته مي شود.



تصوير (۳۹) نهالي شالي

شالي نيلوفر

اين نوع شالي داراي دانه پهن و گرد است و بعد از اينكه كوبيده شد برنجي سفيد رنگ
از آن به دست مي آيد.

روش كشت و محصول دهی

كشت شالي نيلوفر تا هنگام درو شدن نسبت به شالي سدري زمان كمتری را در بر
مي گيرد، از اين رو ديرتر از شالي سدري كاشته مي شود و يا اگر همزمان كشت شود
محصول زود تر به دست مي آيد. اين كشت معمولاً در ماه ثور يا اندكي ديرتر كاشته
مي شود و در چهار ماه محصول آن به دست مي آيد. از هنگامي كه تخم اين شالي كاشته
مي شود تا وقتي كه به پخته گي مي رسد نياز به آب دوامدار دارد. در صورتي كه آب
كم رسي نمايد و زمينش خشك شود، در كشت خلل ايجاد مي گردد و درست خوسه
نمي كند. دهقانان خوسه نكردن شالي نيلوفر را اصطلاحاً "گنگك" مي گويند.

بعد از اينكه كشت شالي به پخته گي رسيد درو مي شود و در جايي جمع و خرمن
مي گردد. بعد از آن توسط دستگاهي چوبين كه گردو، پايكوب يا آجواز نام دارد و ساخت

خود مردم است کوبیده می‌شود تا دانه‌ها از ساقه جدا گردد. آنگاه به وسیله چک زدن در مسیر باد، دانه‌ها جدا و پاک می‌گردند و برنج به دست می‌آید.

شالی سدري (باریک)

شالی سدري برنجی اعلی و خوش رنگ است و دانه‌های آن باریک و دراز می‌باشد.

روش کشت و تربیه شالی سدري

مقداری برنج را اولاً در کرد کوچکی می‌کارند، وقتی به اندازه یک بلست نمو کرد، بعد آنرا دسته دسته گرفته، طور ایستاده؛ و قامت‌های خم شده از صبح تا شام در زمین شالی که هم آب گرم در کرد است و هم آفتاب سوزان کار گران را اذیت می‌کند در زمین نرم و پر آب می‌نشانند و بعد به طور دایمی آنرا آبیاری می‌کنند.

کشت شالی سدري و تولید برنج از محصول آن زحمت زیاد می‌خواهد. این نوع شالی در مدت شش ماه به دست می‌آید و از ابتدا تا انتهای این مدت باید آب در داخل زمین وجود داشته باشد، در غیر آن محصول خوب و کافی نخواهد داشت. شالی سدري در ماه ثور کاشته می‌شود و تا ماه میزان به پخته گی می‌رسد. در این مدت دهقان باید یکی دو بار علفهای هرزه را از میان کشت شالی که زمینش را آب فرا گرفته است، طور ایستاده

و با قامتی خم شده برچینند و دور سازد، و همیشه وجود آب در میان زمین را مراقبت کند تا مزرعه کم آب نشود. بعد از چندی شالی خوشه می‌کند و در این وقت به هوای گرم ضرورت دارد تا خوشه آن پخته شود. شالی خوشه کرده بسیار خوش منظر



تصویر (۴۰)

و دلپسند است و بیننده از تماشای آن حظ می‌برد.
هنگامی که کشت شالی زرد شد و به پخته گی رسید دهاقین آن را درو و خرمن می‌نمایند.
آنگاه توسط دستگاه گردو کوبیده می‌شود تا شالی از ساقه جدا گردد.
با به دست آمدن شالی سدري از مزرعه نیمی از کار تولید برنج انجام شده است، زیرا
پروسه طولانی دیگری (جوش و تفت دادن) را به دنبال دارد تا بعد از آن برنج به دست
آید.

جوش و تفت دادن شالی و تولید برنج

شالی سدري نیاز دارد تا جوش و تفت داده شود. این کار صورت می‌گیرد تا برنج آن
نشکند و از نگاه رنگ و مزه مرغوب تر گردد. وقتی شالی از خرمن به دست آمد جایی را
برای جوش و تفت آن آماده می‌نمایند. نخست دیگهای کلانی را آماده می‌سازند و مقداری
آب را به وسیله آتش در آنها به جوش می‌آورند. وقتی آب جوش آماده شد شالی ها را در
بین دیگ می‌اندازند و مدت چند ساعت در آب نگه می‌دارند. بدین طریق شالی در میان
آب جوش استحکام می‌یابد.

بعد از آن نوبت تفت دادن می‌رسد. برای انجام این کار دیگ چودنی را در کوره یی جا
به جا می‌کنند. در این کوره باید روز تا شام آتش روشن نگه داشته شود تا دیگ سخت داغ



باشد و تفتگر شالی را در
آن تفت دهد. تفتگر شالی
را اندک اندک به داخل
دیگ چودنی می‌اندازد و
با چوبی دور می‌دهد تا
تفت خورد و بعد از آن از

تصویر (۴۱) برنج

دیگ می‌کشد. پس از آن شالی تفت خورده را به مقابل حرارت آفتاب هموار می‌کنند تا خشک گردد و بعد از خشک شدن توسط ماشین یا پایکوب می‌کوبند تا پوست شالی از دانه جدا گردد و برنج تولید شود.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان در باره مناطق حاصلخیز وطن بحث نمایند و نتایج بحث شانرا در کتابچه های خود بنویسند.

پرسش‌ها

- کشت شالی سدری در کدام ولایات وطن ما بیشتر رواج دارد؟
- کجند چه نوع دانه یی است و از آن چه استفاده یی صورت می‌گیرد؟

کارخانه گی



- شاگردان محصولات زراعتی منطقه خود را یادداشت نمایند و در ساعت بعدی با خود به صنف بیاورند.



درس بیست و یکم

باغ داری، تولید میوه و جنگلات

- در منطقه شما چه نوع میوه جاتی پیدا می‌شود؟

وطن عزیز ما افغانستان کشور باغ‌ها، میوه و جنگلات است. هر نوع درختان مثمر و غیر مثمر در اراضی هموار و مرتفع آن می‌روید و محصول خوب می‌دهد. مرغوب‌ترین میوه جات مانند انار، خربوزه، زردآلو، شفتالو، انگور، انجیر، توت زمینی و امثال آن پرورش داده می‌شود.



تصویر (۴۲) میوه‌ها و

کندوی زنبور عسل

پرورش درختان و وجود جنگلات باعث سرسبزی، زیبایی، هوای تازه، تولید میوه، زمینه پرورش زنبور عسل و ایجاد پوشش گیاهی، حفظ خاک و در نتیجه باعث به میان آوردن محیط سبز و فضای صاف و جلب سیاحین و جهانگردان به کشور زیبای ما می‌گردد.

طوری، که همه می‌دانیم وطن ما انواع مختلف درجه حرارت، ارتفاع بلند، زمین های هموار منطقه گرمسیر، معتدل و سرد سیر را دارد.

مردم ما در مناطق معتدل درختان میوه دار مانند: زردآلو، شفتالو، گیلان، آلبالو، توت، چهار مغز، سیب، ناک، انگور، بادام، پسته، توت زمینی، انجیر و امثال آن را پرورش می‌دهند.

در مناطق گرم درختان جلعوزه، لیمو، نارنج، کینو، مالته، زیتون و امثال آن کاشته و از آنها محصول خوب به دست می‌آورند و ما می‌بینیم که اعلا ترین و مرغوب ترین این میوه در وطن ما تولید می‌گردد، که در بازار های بین المللی مشتریان علاقه مند دارد. مانند انار، توت زمینی، زرد آلو، خربوزه و امثال آن .

کاشت انواع و اقسام مختلف خربوزه به نام های قندک، اله پوچاق، سوزدله، ارکانی،



تصویر (۴۳) میوه جات

عسقلانی، برگ نی وده ها نوع دیگر از قدیم در صفحات شمال کشور؛ مانند: تخار، کندز، سمنگان، مزار شریف، اندخوی، بغلان و هلمند مروج است، که در شیرینی، سیر آبی و لطافت در جهان بی نظیر است. خاصاً خربوزه قندک امام صاحب، چاه آب و خان آباد، که در بازارهای کشورهای حوزه خلیج مشتریان بسیار علاقه مند پیدا کرده است. تربوز کندز، هلمند و کیله گی هم شهرت خوب دارد.

مزیت و برتری خاک، آب و هوای وطن ما در این است که این درختان و گیاهان نه تنها در زمین های هموار بلکه در کوه ها و تپه ها هم بسیار به خوبی نشو و نما می کنند و به ثمر می رسند. مردم زحمت کش ما که به پرورش درختان و ایجاد باغ های کوچک و بزرگ علاقه مندی شدید دارند در این اواخر علاوه از زمین های هموار، در کوه ها هم نهال شانه و باغ ها ایجاد کرده اند.

چون زمین و هوای وطن ما برای پرورش بته ها، درختچه ها، درختان، و ایجاد پوشش گیاهی بسیار مساعد است از اینرو از قدیم در کوه ها به طور خودرو انواع درختان و درختچه های میوه دار و بی میوه مانند پسته، بادام، چهارمغز، سیب، ناک (قییم، شکندی) تاک، قره قات، یخمن، زرشک، ناجو، شنی، جلعوزه، گورگور، ارچه، بلوط و امثال آن روییده است.

گرچه در بی نظمی های چند دهه گذشته در اثر بی احتیاطی، بخشی از این درختان و درختچه ها خساره مند شدند ولی مردم آگاه و هوشیار ما به زودی در این زمینه متوجه گردیده علاوه از این که از تخریب آن جلوگیری کردند، به احداث باغ ها در سطوح مرتفع، تپه ها و کوه ها به پیمانه وسیع اقدام نموده و نتایج بسیار خوب گرفته اند. مردم ما به اثر تجربه فهمیده اند که کاشت غله جات مصرف و زحمت زیاد دارد و هر سال باید زمین را قلبه کنند، تخم بپاشند و آبیاری نمایند، در حالی که نهال را که یکمرتبه کاشتند با زحمت و آبیاری کم هر سال بزرگ و بزرگتر می شود و در چند سال محدود به درخت بزرگی تبدیل می گردد و سال های متمادی دیگر بدون زحمت حاصل و میوه می دهد. درخت موجود مفید، محبوب و دوست داشتنی است. که خداوند نعمت ها و مزیت های زیر را در وجود آن خلق کرده است:

گل و شگوفه و برگ می کند، میوه می دهد، هوای محیط زیست را تصفیه می نماید (اوکسیجن تولید می کند)، باران تولید می نماید، آب را زیاد می سازد، سایه می دهد، شگوفه ها یش با تغذیه زنبور، عسل می دهد، خاک زمین و کوه ها را توسط ریشه خود محافظت می نماید،



تصویر (۴۴) آلبالو

زیبایی می‌آفریند و جهانگردان را به وطن ما دعوت می‌کند.

درخت مفید ترین مخلوق خداوند در روی زمین است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «اگر بالای یکی از شما قیامت برپا شود و در دستش نهالی

باشد، آن را غرس کند.» رواه مسلم و بخاری

این میوه جات مرغوب ما بازار بسیار خوب در جهان دارد:

انار، انگور، خربوزه، توت زمینی، چهارمغز، بادام، پسته، جلعوزه، سیب، ناک، زردآلو، شفتالو، گیلاس، آلبالو و ده ها نوع میوه جات دیگر.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان میوه جات منطقه خود را لیست کنند و در کتابچه های شان بنویسند

پرسش ها ؟

- چگونه می‌توانیم در کشور خود باغ داری، تولید میوه و جنگلات را توسعه دهیم؟
- چگونه می‌توانیم وطن خود را به یکی از کشورهای زیبای جهانگردی و توریستی دنیا تبدیل کنیم؟

- نهال شانی در منطقه شما به چه نوع صورت می‌گیرد؟

کارخانه گی



- شاگردان انواع میوه جات، باغ ها و جنگلاتی را که در این اواخر در منطقه و محل شان تولید، تکثیر و احداث گردیده معلومات گرفته، در کتابچه های شان بنویسند و در ساعت دیگر به صنف بیاورند.



درس بیست و دوم

سیستم های آبیاری در وطن ما

- مردم در وطن ما باغ ها و زمین های کشاورزی را چگونه آبیاری می کنند؟

طوری که همه می دانیم کشور عزیز ما افغانستان که اکثر مناطق آن کوهستانی است، سیستم آبیاری نیز تابع شرایط اقلیمی، طبیعی و ساختمان زمین و چگونگی تولید آب است. از قدیم کشت و زراعت به دو گونه صورت می گیرد، یکی به صورت للمی و دیگری آبی. للمی طوری است که زمین را قلبه می کنند، تخم می پاشند بعد که محصول رسید درو و خرمن می کنند. زحمت آن مانند مزرعه آبی زیاد نیست، و زمین را یکسال در میان می کارند و علاوه از دشت ها در تپه های خاکی هم کشت للمی معمول است و توسط آب باران آبیاری می گردد، اگر بارنده گی نشود کشت می سوزد و حاصل نمی دهد. دیگری زراعت آبی است که در زمین های هموار و نزدیک دریاها، نهرها و کاریزها صورت می گیرد. این زمین ها بعد از کاشتن تخم چندین مرتبه آبیاری می گردد و مثلاً در زمین شالی کاری شده باید آب همیشه در زمین و مزرعه موجود باشد. در هر صورت به طورعموم منابع و سیستم آبیاری در جهان و در کشور ما به قرار آتی است:



آب دریا، آب چشمه، آب کاریز، آب چاه، ارهد، چاه عمیق، واترپمپ، آب سیل، آب باران، سیستم قطره یی، سفره های زیر زمینی، بند های خاکی و کانکریتی.

۱- آبیاری از آب دریاها

در ساحات و وادی هایی که رود خانه های



بزرگ جاری است مانند رود هلمند، هریرود، ارغنداب، مرغاب، رود آمو، رود کوکچه، دریای بلخاب، دریای کندز، دریای فرخار، دریای پنجشیر، غوربند، دریای لوگر، دریای کابل، دریای کنر، دریای پیچ، لندر و امثال آن.

تصویر (۴۶)

آب این رود خانه ها زمین های دو کنار

خود را آبیاری و سیر آب می سازد. به طوری که مردم نهادهای بزرگ به هر دو طرف رود خانه حفر کرده و آب را توسط این نهادهای خود رسانده و مزارع را آبیاری می نمایند و طبعاً در تقسیم آب و حقابه مناسباتی، قواعدی و رسومی در بین مردم مروج است که همه ملزم به رعایت از آن می باشند و این مناسبات تقسیم آب را شخص با نفوذی به نام "میرآب" سرپرستی می کند.

و این سیستم آبیاری در سر تا سر وطن ما مروج و معمول است.



تصویر (۴۷)

مثلاً یکی از این سیستم های آبیاری منظم و دقیق را که از قدیم در هرات معمول بوده طور نمونه در اینجا ذکر می کنیم:

شهر هرات در شمال و جنوب در میان دو سلسله کوه واقع شده که به سفید کوه و سیاه کوه معروف اند. هریرود در میان این دو سلسله کوه موقعیت دارد. دریای هریرود دو طرف خود را آبیاری می کند. بدین ترتیب که در دو طرف

آن نهادهای ایجاد کرده اند و هر نهادهای در میان دریا، بندی برای گرفتن آب دارد.

این نهادهای عبارت اند از جوی شافلان "پشتون زرغون"، جوی گذره و یک تعداد جوی های دیگر که کوچک اند و زمین های جنوب دریا را آبیاری می نمایند و به طرف شمال جوی نو،

جوی ساوه، جوی اولنگ ستارخان، جوی انجیل، جوی عالم جان و یک تعداد جوی‌های کوچک دیگر واقع اند که شمال دریا و در ضمن شهر هرات را آبیاری می‌نمایند؛ زیرا شهر هرات نیز در شمال دریا واقع است؛ طوری که قریه‌های ولسوالی انجیل از شرق و غرب و از شمال و جنوب شهر را احاطه کرده است.

آب هریرود در فصل بهار زیاد و طوفانی می‌شود، اما در تابستان از سرچشمه می‌خشکد. آن مقدار آبی که اراضی را در تابستان آبیاری می‌کند چشمه سارهایی است که از بستر و کف رود خانه پدید می‌آید. از یک بند تا بند دیگر فاصله معین است. هر اندازه فاصله زیاد باشد تولید و مقدار آب بیشتر است. مساحت و طول دریا برحسب اندازه زمینی که هر جوی آبیاری می‌کند در قدیم توسط مولانا عبدالرحمن جامی تقسیم بندی شده است. یعنی مشخص شده که از بند بالا مثلاً تا بندی که بعد از آن بسته شده باید چند کیلومتر باشد؟ و اهل هر بلوک حق ندارند بند جوی خود را از آن پایین تر بسته کنند زیرا حق بلوک پایین تر را تلف می‌نمایند.

هر بار اگر مناقشه‌یی میان مالکین دو جوی پدید آید مردم به آن تقسیماتی که در اداره زراعت هرات از قبل ثبت و موجود است مراجعه می‌کنند.

می‌گویند: چند سال قبل یکی از مهندسان خارجی هنگامی که این تقسیمات در مورد هریرود را دیده از مهندسان هرات پرسیده بود که چه کسی این تقسیم بندی را کرده است؟ گفته اند: جامی. او گفته بود «کجاست جامی؟ او را بیارید ببینم»، گفتند: او «در قرن نهم می‌زیسته است». مهندس مذکور حیرت کرده و بر دانش مولانا جامی تحسین گفته بود. زیرا تقسیمات طوری بود که مقدار زمین به دو طرف هری رود و کیلومتر حقابه و آب، بسیار دقیق محاسبه



تصویر (۴۸) پنجشیر

و تقسیمات شده بود.

همچنان در پنجشیر مربوط حصه سوم الحاقیه قریه «آستانه» از قسمت کوه شکاف و کوه سفید که متصل اندراب است، در قدیم جویی کشیده شده که حدود بیشتر از یکصد هکتار زمین ناهموار را آبیاری می‌کند، به نام «جوی جامی» معروف است. بعید نیست که این جوی هم با استفاده از مهندسی مولانا جامی کشیده شده باشد.

۲_ سیلاب:

در بعضی از مناطق دشت و کم آب مانند فراه، نیمروز، اندخوی، دولت آباد، قرقین و امثال آن آب باران و سیلاب را در بندهای خاکی به شکل ساده و ابتدایی ذخیره می‌کنند و در طول سال از آن در آبیاری و نو شیدن انسان ها و حیوانات استفاده می‌نمایند.



بستن بندها و ذخیره نمودن آب از قدیم در وطن ما مروج بوده؛ چنان که بند سرده و بند سلطان در وردک و غزنی از قدیم ترین بندها در وطن ما می‌باشد؛ همچنان بند کمال خان در هرات، بند چک وردک، بند کجکی، بند سروبی، بند درونته، بند ارغنداب، دهله و امثال آن که آب فراوان را در آن ها ذخیره و در آبیاری استفاده می‌نمایند.

تصویر (۴۹) بندهای چک وردک و کجکی

و اما یکی از تکنیک های شگفت انگیز جاری ساختن آب چشمه ها و جوی های زیر زمینی بر روی زمین و استفاده از آن حفر کاریز است، که طبق روایات، شواهد و اسناد تاریخی وجود کاریز ها در وطن ما دو هزار و پنجمصد سال قدامت دارد، که با حفر چاه های



تصویر (۵۰) ذخیره آب الینگار

عمودی و تونل افقی این کاریز ها را به وجود آورده اند. و در بعضی موارد طول این کاریز ها در وطن ما بیشتر از ده کیلو متر تخمین گردیده است.

حفر کاریز بسیار دشوار است. کار طاقت فرسای پر از مشقت لازم دارد و خطر جانی هم در پی دارد؛ اما بعد از کندن و آماده شدن، آب فراوان و دایمی، پاک، شفاف و خنک در دسترس مردم قرار می گیرد.

کاریز به سیستم عصری هم احداث شده می تواند.

۳_ سفره های زیر زمینی

در بعضی جاها به تکنیک خاص بندهای خاکی کوچک ایجاد می کنند و نمی گذارند آب برف و باران بر روی زمین جاری شده، به هدر رود بلکه آنرا به زیر زمین هدایت کرده و ذخیره می نمایند و بعد با حفر ارهت، چاه های عمیق و نصب واترپمپ آب را به روی زمین و ارتفاع بلند انتقال داده زمین ها و باغ ها را آبیاری می نمایند.

چون آب یک ماده حیاتی و ارزشمند برای انسان هاست به این سبب در کشور هایی که آب فراوان نیست برای جلوگیری از ضایع شدن آب و صرفه جویی بیشتر، سیستم آبیاری قطره یی مروج شده است. در کشور اردن که بند های خاکی برای جمع شدن آب برف و باران ساخته اند هم در زیر کاسه بند و هم در جویی که از مسیر آن آب را از بند غرض آبیاری به مزارع می برند پلاستیک مخصوص هموار می کنند تا آب در مسیر راه به زمین جذب نشود و هدر نرود.



تصویر (۵۱) سیستم آبیاری قطره یی



تصویر (۵۲) بند برق سروبی

فعالیت داخل صنف

- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و هر دسته بین خود یک نوع سیستم آبیاری در وطن ما را به بحث بگیرند و بعد نتایج بحث خود را با هم شریک سازند.

پرسش‌ها

- چگونه می‌توانیم از اینقدر آب فراوان و شیرین وطن خود حد اعظمی استفاده کنیم؟
- احداث و ایجاد بندها چه سهولت‌ها و نعمت‌هایی را برای مردم به بار می‌آورد؟
- سیستم آبیاری قطره‌ای چگونه است؟

کارخانه‌گی



- شاگردان از اولیای خود در مورد سیستم آبیاری قدیم و جدید و مزایا و معایب آن معلومات گرفته بنویسند و با خود به صنف بیاورند.

خلاصه فصل چهارم

در ساحات کوهستانی کشور عزیز ما گندم و نخود به طور للمی کاشته می‌شود، که چندان حاصل زیاد نمی‌دهد. در ساحات شمال، غرب و جنوب غرب کشور نسبت داشتن اراضی هموار زراعت به طور آبی و للمی صورت می‌گیرد. در مناطق گرم و سیر آب وطن ما از زمین در سال دو مرتبه محصول برداشته می‌شود.

در کشت زمین‌ها بین دهقان و زمین دار مناسباتی وجود دارد که یا به طور اجاره است یا دهقان استخدام شده هنگام برداشت محصول، چهاریک یا پنج یک سهم می‌باشد. برنج از محصولات بسیار ارزنده و مفید وطن ماست که در ولایت‌های لغمان، بغلان، کندز، تخار و هرات زیاد کاشته می‌شود.

وطن عزیز ما کشور باغات، جنگلات و میوه است. طوری که مردم ما در مناطق معتدل درختان میوه دار مانند «آلو، شفتالو، سیب، انگور، بادام، پسته و امثال آن»؛ در مناطق گرم درختان جلعوزه، شنی، گورگور، لیمو، نارنج، کینو، مالت، زیتون و امثال آن می‌کارند و محصول خوب به دست می‌آورند.

انار، توت زمینی و امثال آن از مرغوب ترین میوه جات وطن ماست، که در جهان بازار خوب دارد.

به طور عموم آب و هوای وطن ما برای پرورش انواع درختان میوه دار در ساحات مرتفع و پست بسیار مساعد می‌باشد.

سیستم آبیاری در وطن ما تابع شرایط اقلیمی، طبیعی و ساختمان زمین و چگونگی تولید آب است.

از قدیم کشت و زراعت به دو گونه بوده یکی به صورت للمی و دیگر آبی. سیستم آبیاری را در وطن ما آب دریا، آب چشمه، آب کاریز، آب چاه، ارهد، چاه عمیق و سیستم قطره‌یی تشکیل می‌دهد. در تقسیم آب و حقایبه مناسبات و قواعدی بین مردم وجود دارد که همه ملزم به رعایت از آن می‌باشند و این مناسبات تقسیم آب را شخصی به نام «میر آب» سرپرستی می‌کند.

مواد تولیدی و صادراتی وطن ما علاوه از قالین، کلاه قره قلی انواع میوه جات مرغوب و شیرین، تازه و خشک به خصوص انار کندهار در دنیا از شهرت خاص برخوردار است؛ همچنان انواع گیاهان دارویی و زعفران که کاشت آن در بیست و لایت کشور نتیجه خوب می‌دهد.

مردم ما به تازه گی اهمیت درختان میوه و جنگلات را دریافته اند و به آن توجه خاصی مبذول می‌دارند.

اهداف فصل پنجم

در این فصل شاگردان با چهره ها و شخصیت های تاریخی، فرهنگی، علمی و هنری کشور آشنا می شوند و به شاهکار ها، ابتکارات و آفریده های علمی، ادبی، فرهنگی و هنری که به وجود آورده اند آشنا می شوند.

شاگردان در این درس به دو نکته بسیار مهم متوجه می شوند.
الف: زن ها هم می توانند در ایجاد و غنا بخشیدن فرهنگ، مثل مردان سهم بگیرند، مانند ملکه گوهر شاد بیگم، ملکه نامدار کشور عزیز ما افغانستان.
ب: دانشمندان، شاعران، هنرمندان، مؤرخان بزرگ مربوط یک منطقه کوچک نیستند؛ بلکه همه آنها به حوزه بزرگ فرهنگی، که کشور ما هم در آن شامل است و جامعه بزرگ بشریت ارتباط دارند.



تصویر (۵۳) مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی



فصل پنجم

شخصیت های مهم تاریخی، هنری و ادبی

درس بیست و سوم

ملکه گوهرشاد بیگم و شهزاده بایسنغر میرزا

جامعه باشد ز دوکس سر بلند

مرد نظامی و زن هوشمند

- از مفهوم شعر چه می دانید؟

کشور تاریخی و تمدن آفرین ما در سراسر زنده گانی پر جلال و شکوه خود دوره های فرهنگی و مدنیت های با عظمت را سپری کرده ، که هر دوره آن شهرت جهانی داشته است. مانند مدنیت مزديسنایی، دوره شکوهمند کوشانی، عصر پرافتخار و ادب پرور غزنوی و امثال آن.

در پیوست و ادامه این تمدن ها هرات یکی از معروف ترین شهرهای مشرق زمین و مدت طولانی پایتخت امپراطوری تیموریان هرات و یکی از درخشان ترین دوره های تاریخ وطن عزیز ما افغانستان است.

این سرزمین با استعداد در دامان خود صدها دانشمند، ادیب، شاعر عارف، نقّاش، خطّاط و خوشنویس و سیاست مدار پرورده که در آن دوره رنسانس (عصر طلایی احیا و توسعه علوم) تیموریان هرات خاصاً دوره شاهرخ میرزا و ملکه او گوهرشاد بیگم درخشنده گی خاص داشته است.

در این دوره شگوفایی علم و ادب، فرهنگ، هنرهای زیبا، معماری، کاشی کاری، میناتوری، خطاطی و خوشنویسی به اوج کمال خود رسیده بود. علت این شگوفایی و عظمت فرهنگی،

حمایت و قدرشناسی پادشاهان کورگانی از دانشمندان، فضلا و هنرمندان بود. در آغاز و گستره اساس گذاری و توسعه این مدنیت بزرگ علاوه بر رجال دانشمند و فرهنگ پرور، حضور و نقش شیر زنان خردمند، دانشمند و هنر پرور نیز تاثیر بزرگ داشته است، که مقام و نقش آنها در امور کشور داری و ایجاد مدنیت در سلطنت کورگانی کمتر از مردان نیست.

یکی از آن زنان با فرهنگ و مدنیت پرور ملکه گوهرشاد بیگم بود.



تصویر (۵۴) مقبره ملکه گوهرشاد بیگم

دانشمندان، صاحب نظران و مؤرخان
چهره تابناک ملکه گوهرشاد بیگم
ملکه باعظمت افغانستان را چنین
معرفی کرده اند:

مهدعلیا گوهرشاد بیگم دارای صفت
های عالی انسانی مانند سلیقه خوش،
فراست، تدبیر، فصاحت زبان، راست
گویی، قاطعیت و زیبایی بی نظیر بوده
است.

به نسبتی که شاهرخ میرزا بیشتر
اوقات مصروف عبادت و مطالعه کتب

می بود بنابراین امور سلطنت، کشور داری و دیوانعالی اکثراً به دست زن دانا و مدبر او
گوهرشاد بیگم پیش می رفت.

ملکه گوهرشاد بیگم در ترویج علم و هنر، تشویق و حمایت علما، فقها، معماران، هنرمندان،
میناتورکاران، خوشنویسان، نساخان و دیگر هنرمندان و ادیبان توجه فوق العاده داشت و
مساجد و مدرسه های بی نظیری اعمار کرد که تا امروز پا برجاستند.

هرات که در دوران سلطنت شاهرخ میرزا و خانواده اش در طول قرن نهم هجری از
بزرگترین شهرهای آسیا و عروس شهرهای دنیا به شمار می رفت و کانون بزرگ علم، ادب
و هنر بود، همه این عظمت از توجه شاهرخ میرزا، ملکه فاضل و آگاهش گوهرشاد بیگم و

پشتیبانی پسرانش میرزا الوغ بیگ و بایسنغر میرزا بود.

بناها و ساختمان های گوهرشاد بیگم

یکی از بناهای با شکوهی که توسط گوهرشاد آغا اعمار گردیده مدرسه بزرگ هرات است، که در مدت بیست و یک سال تکمیل گردیده و در ساختمان آن علاوه بر قوام الدین شیرازی معماران، خطاطان، کاشی کاران، نقاشان ماهر و ورزیده از دیگر شهرهای جهان احضار و به کار گمارده شده اند، که این مدرسه به نام مدرسه مهد علیا مشهور بود.

و اکنون به نام گنبد سبز یاد می گردد. این مدرسه و بنای با عظمت آن یکی از مجلل ترین بناهای دوره تیموری هرات و نمونه برجسته یی از صنعت و هنر پروری آن دوره است. این مدرسه در زمان خودش مرکز بزرگ علمی در تمام قاره آسیا به شمار می رفت. از دورترین نقاط جهان دانش دوستان برای کسب علوم و هنر به آن رو می آوردند. در پهلوی مدرسه کتابخانه بزرگی نیز وجود داشت که دارای کتاب های نفیس و گوناگونی در هر علم بود و ملکه گوهرشاد بیگم شخصاً از امور تدریس و رفاه حال استادان و محصلان آن واری می کرد.

۲- مدرسه مُصلاً که نشانه یی از پوهنتون بزرگ عصر تیموریان است به توجه و همت همین ملکه با فضیلت و فرهنگدوست، طرح ریزی گردید که از اطراف و اکناف عالم محصلان را به خود جلب و از علم و هنر باشکوه آن مستفید می شدند، که این خود موجب افتخار تمام آسیا بود.

۳- بنای دیگری که به نام ملکه گوهرشاد بیگم مشهور شد، مسجد گوهرشاد خاتون در مشهد است.

این مسجد از شاهکارهای معمار نامدار عصر، استاد قوام الدین شیرازی است، که طاق بزرگ و دو مناره کاشی کاری آن جالب توجه و حیرت آور است.

ایوان باشکوه این مسجد و کتیبه آن با خط بایسنغر میرزا با حروف بسیار درشت، سفید، بر زمینه آبی رنگ و در نهایت زیبایی نوشته شده که یکی از عالی ترین و حیرت انگیز ترین نمونه های معماری جهان به حساب می آید.

بایسنغر میرزا با پدر و مادرش اکادمی هنرستان هرات را اساس گذاشته است. او شاهنامه

بی را با خط بسیار عالی و زیبا خوشنویسی کرده و در آن بیست و دو اثر نقاشی استاد کمال الدین بهزاد را هم گنجانیده است؛ همچنان قرآنی را به قلم زیبای خود نوشته که دوونیم گز طول داشت.

عشق و علاقه سرشار او به علم، ادب، هنرهای زیبا، شعر، موسیقی، نقاشی، معماری و خوشنویسی شهرت جهانی دارد.

شهزاده بایسنغر میرزا یگانه و بزرگترین انسان کتاب دوست جهان به شمار می‌رفت.

فعالیت داخل صنف



– ملکه گوهرشاد بیگم در رنساس هرات چه نقش داشته؟ شاگردان در گروه‌ها بین خود بحث کنند.

پرسش‌ها

- زن‌ها چگونه می‌توانند مانند مردها در انکشاف علوم و هنر و در شگوفایی کشور سهم بگیرند؟
- علت شگوفایی و عظمت فرهنگی دوره تیموریان هرات در چه بوده است؟

کارخانه‌گی



– شاگردان در مورد نقش ملکه گوهرشاد بیگم در رنساس هرات وطن ما معلومات جمع‌آوری کرده به صنف بیاورند.



درس بیست و چهارم

خوشحال خان خٲک

- خوشحال خان خٲک که بود؟



تصویر (۵۵)

خوشحال خان پسر شهبازخان، نواسه یحیی خان و کواسۀ ملک اکوړه خان خٲک بود.

اجداد خوشحال خان از کوهات به اکوړه آمده بودند و خان و ملک منطقه اکوړه بودند.

خوشحال خان با شاه جهان پادشاه مغول مناسبات نیکو و حسنه داشت.

چنان که می گوید:

د هغه دور بادشاه وو؟ قدر دان شاه جهان
د پلار ځای و ما را کرې پرې اوس شومه حکمران

خوشحال خان خٲک و اورنگ زیب

چون خوشحال خان مرد نظامی دلاوری بود و در جنگ های تصاحب تاج و تخت دهلی توسط اورنگ زیب به طرفداری او جنگید و اورا در این امر کمک های مردانه کرد، جاه و مقامش نزد پادشاه بسیار بلند شد. و بعد ها نظر به تحولات اجتماعی و سیاسی ای که رُخ داد خوشحال خان خٲک از اورنگ زیب آزرده شد و در این تحولات و سازش ها بعضی از اعضای خانواده

خودش و قوم یوسف زی نیز دست داشتند.

به هر حال خوشحال خان خٲک که مرد شمشیر و قلم بود شاعری بزرگ و سخنور توانا و ذواللسانین (پشتو و دری) حوزهٔ بزرگ فرهنگی ماست، که همه او را به این صفت و حیثیت می‌شناسند.

خوشحال خان خٲک بابای نثر و نظم زبان پشتو است مثلی که خودش می‌گوید:

که د نظم، که د نثر، که د خط دی په پښتو ژبه مې حق دی بې حساب

خٲک خو پر پرده په درست جهان کې - عجب که ما غوندی فرهنگيالي راشي

خوشحال خان مُصنّف دوازده کتاب نظم و نثر است که در بین همه تصانیف وی کلیات او مهم ترین است، که از نگاه تنوّع، وسعت مضامین و همه گیری، شاهنامهٔ پشتو است و محتوی (۱۰۳۴) صحیفه می‌باشد.

از نگاه تخنیک نظم کلیات خوشحال خان در ادب پشتو مانند دُرّ بی همتاست و اصناف و مضامین مختلف مانند غزل، رباعی، قطعه، قصیده، مُخَمّس، مُسَدّس، مُعَشّر، ترکیب بند، ترجیع بند، مُربّع و مثنوی دارد.

مثل اینکه در ادب فارسی شهنامهٔ فردوسی بهترین سرمایه است، در ادب پشتو کلیات خوشحال خان است.

در کلیات خوشحال خان معلومات مفید اخلاقی، ادبی، علمی، تاریخی، معاشرتی شامل است.

نکته هایی از حکمت، اخلاق، موعظه، سیاست، تهذیب و مدنیت و صفات شجاعت در آن انعکاس داده شده است.

اشعار کلیات و شیر و شکر خوشحال خان خٲک مرکب از نظم های فارسی، پشتو و اردو و بسیار شیرین است و نکته های دقیق تصوّف در آن درج می‌باشد.

خوشحال خان اولاد زياد داشت و از بعضی پسرانش ناراضی بوده و در اشعار خود شکایت کرده است؛ چنان که می‌گوید:

ناخلف مي حواله کره په تقدیر نصیحت ورباندې نه کاندې تاثیر
بد فرزند دی خدای و هیچا پیدا مه کره په خصلت یې پلار په ځان وي مور په ویر

نمونه شعر دری خوشحال خان خټک

از او دل بر گرفتن کار من نیست که از جان سیر گشتن کار تن نیست
چمن را گرچه گل ها بس شگرف است ولی همچون رخت گل در چمن نیست
مرا "گویی" بگو وصف دهانم! چه گویم؟ چون درو جای سخن نیست
من و سودای رویت تا که هستم اگر چه خود ترا پروای من نیست
غمّت تا در دل و جانم وطن کرد مرا در کوچه شادی وطن نیست
چرا خوشحال را پرسی که چونی؟ مگر از چهره، حالش مُبرهن نیست؟

شعر شیر و شکر خوشحال خان

راشه بر چشمم نشین ای شاه خوبان چُگل لمعه خورشید را بر چشم باشد خای تل
تاویل قند و نبات و شهد یکجا دیده ام آری آری آن لبان و آن دهان و آن ویل
سردهم تا هر چه فرمایی ترا فرمانرواست از تو حکم ای بادشاه مهوشان وز ما منل
زار و قربان تو گردم گربه تیغ خودکشی نی به تیغ دیگران خونم ترا باشد بجل
نن به من می‌گفت در کوی تو می‌رفتم رقیب شوخ چشمی بر نمی‌گردد از این کو بر شپل
چون به تن گشتم ضعیف و لاغر و زار و نحیف نیست اندر فرقتت جانما مرا خواب و خورل
تا جفا و جور از حد نهایت بیش کرد من نیاز و عجز و زاری می‌نمایم یو په سل

تل صبا بیگاه آه و ناله و فریاد ماست بر دل سخت نباشد تاثیر زاری ژړل
هیچری مثل تو دلبر می نیاید در نظر زین سبب خوشحال میل دل نمی دارد په بل

فعالیت داخل صنف

– شاگردان در مورد اشعار دری و پشتوی خوشحال خان خټک بین خود بحث کنند و نتایج بحث شانرا باهم شریک سازند.

پرسش‌ها ؟؟

– خوشحال خان مُصنّف کدام کتاب های نظم و نثر است.

کارخانه گی

– شاگردان کتاب های ارمغان خوشحال و دیوان خوشحال را به دست آورده هر کدام یک شعر پشتو و یک شعر دری او را یادداشت، تحلیل و معنا کرده با خود به صنف بیاورند.



درس بیست و پنجم

مولانا جلال الدین محمد بلخی

- مولانا که بود؟

مولانا جلال الدین محمد فرزند سلطان العلماء بهاءالدین از عارفان و شاعران بزرگ و معروف کشور ماست وی در سال ۶۰۴ هـ. ق. در بلخ تولد شده است.



تصویر (۵۶) مقبره مولانا در قونیه

پدرش بهاءالدین از مفاخر مشایخ عصر خود بود. به نسبت مقام معنوی بزرگ و احترامی که در بین مردم بلخ داشت مورد حسرت و خشم سلطان محمد خوارزم شاه قرار گرفت و ناچار به ترک وطن و مهاجرت گردید و با خانواده و

فرزندش جلال الدین از طریق نیشاپور به بغداد و از آنجا به زیارت کعبه شریف، مشرف شده و بعد به قونیه رفت.

جلال الدین در قونیه نخست تحت تعلیم و ارشاد پدر و بعد از وفات پدر نزد برهان الدین مُحقّق ترمذی به تحصیل علم پرداخت تا اینکه عالم بزرگی شد و شاگردان زیادی را تدریس می‌کرد.

روزی جوان ژولیده مویی بر او وارد گردید و بر زنده گی و روان او تاثیر فوق العاده گذاشت. این جوان شمس تبریزی بود و نبوغ او از مولینا شخصیت دیگری ساخت. مولینا تدریس و شاگردان را رها کرده به سرودن غزل و مثنوی معروف آغاز نمود و غزل های شور انگیز و دلنشین سرود. عنایت شمس وی را به جهانی شور، هیجان و عشق کشاند و مولانا به وجد و سماع پرداخت که دیوان شمس تبریزی مجموعه همین غزلیات است. زنده گانی واقعی مولانا بعد از همین برخورد و دگرگونی حالش شروع شده و از برکت انفاس شمس، عارف وارسته، فرهیخته و کامل گردید. در فلسفه زیست باهمی مولانا گفته است:

ای بسا هندو و ترک هم زبان پس زبان محرمی خود دیگر است	ای بسا دوترک چون بیگانگان همدلی از همزبانی بهتر است
---	--

و همچنان سعدی شیرازی گفته است:

بنی آدم اعضای یک پیکر^۱ اند
که در آفرینش ز یک گوهر اند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

از مولینا دو اثر بزرگ به میراث مانده به نام های کلیات شمس (دیوان کبیر) و مثنوی معنوی.

۱- گرچه در متن ها همه جا «اعضای یک دیگر» آمده است، ولی نگارنده این سطور هنگام مسافرت در ایران تصحیح این کلمه را به شکل «یک پیکراند» از جانب دانشمندی و پذیرفتن مدیر مسئول روزنامه «نوروز» شاهد هستم.

حضرت خاتم الشعرا جامی در مورد مثنوی چنین گفته است:

مثنوی معنوی مولوی	هست قرآن بر زبان پهلوی
من چه گویم وصف آن عالی جناب	نیست پیغامبر، ولی دارد کتاب

مثنوی با این بیت ها شروع شده است:

بشنو از نی چون؟ شکایت می کند ^(۲)	و ز جدایی ها حکایت می کند
کز نیستان تا مرا ببریده اند	و ز نفیرم مرد و زن نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق	تا بگویم شرح درد اشتیاق

مثنوی کتابی است پر از حکایت، تمثیل، حکمت، پند، طنز از فرهنگ جامعه مشرقزمین. نکات باریک و گوشه های مختلف از زنده گی مردم را تمثیل می کند. با خواندن مثنوی انسان می داند که مولانا چقدر از عمق زنده گانی اجتماعی مردم آگاه بوده است؟

این عمق نظر او را در قصه هایی که در مثنوی منظوم کرده می بینیم. مانند حکایت های پادشاه و کنیزک، مرد بقال و طوطی، قصه بازرگان و طوطی او، رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار، قصه هدهد و سلیمان (ع) قصه خلیفه و حاتم، ماجرای نحوی و کشتی بان، کبودی زدن قزوینی برشانه گاه، به عیادت رفتن کر به همسایه رنجور خویش، دزدیدن مارگیر ماری را از مارگیر دیگر، کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب، اعتماد کردن بر تملق ووفای خرس، قصه خورنده گان بچه فیل، قصه فریفتن روستایی شهری را، قصه افتادن شغال در خم رنگ، حکایت مغول حيله دان، قصه اختلاف کردن در چگونگی و شکل فیل، حکایت معلم و کودکان، قصه آن دباغ که در بازار عطاری بیهوش شد. قصه آن آبگیر و صیادان و سه ماهی، قصه باز پادشاه و کمپیر زن، قصه محبوس شدن آن آهو بچه در آخور خران، قصه ایاز

۲ - در آن نسخه مثنوی که در مزار مولینا در شهر قونیه موجود است «شکایت می کند» قید است نگارنده این سطور در مسافرت رسمی سال ۱۳۸۷ در معیت استادان نصاب تعلیمی از نزدیک در مزار حضرت مولانا آن نسخه را دیده است؛ همچنان در نسخه «شرح مثنوی شریف» تالیف بدیع الزمان فروزانفر نیز

و حجره داشتن او جهت چاروق و پوستین، قصه سلطان محمود و غلام هندو، حکایت آن سه مسافر مسلمان، ترسا و جهود و حکایت شب دزدان که سلطان محمود شب در میان ایشان افتاد.

و صدها حکایت طنز گونه دیگر.

فعالیت داخل صنف


- شاگردان در مورد شخصیت علمی و عرفانی مولانا بین خود صحبت کنند.

پرسش‌ها ؟

- مثنوی مولانا در حوزه بزرگ فرهنگی ما از چه جایگاهی برخوردار است؟
- نمونه های قصه های طنز گونه مولانا امروز هم در جامعه ما استفاده می شود؟ چند مثال بگویید؟

کارخانه گی


- هر شاگرد قصه طنز گونه یی را از مثنوی یادداشت کرده، آنرا تحلیل نموده، در کتابچه خود بنویسد و روز بعد با خود به صنف بیاورد.



درس بیست و ششم

علامه سید جمال الدین افغانی

- سید جمال الدین افغانی چگونه شخصیتی بود؟



تصویر (۵۷)

سید جمال الدین افغانی از اَبَرمردان تاریخ کشور ماست، که در حوزه بزرگ فرهنگی و جهان اسلام اندیشه و افکار او باعث نهضت و بیداری مسلمانان گردید. سید در سال ۱۸۳۸- میلادی در اسعدآباد کنر چشم به جهان گشوده از پنج ساله گی به تحصیل علوم پرداخته و در هجده ساله گی اکثر دانش مروج زمان خود را فرا گرفته است. بعد به هندوستان، حجاز، مکه و مصر مسافرت نموده در یونیورسیتی جامع الازهر مصر به تدریس فلسفه و منطق پرداخته است.

سید افغانی در هند، مصر و ترکیه نهضت های جدید سیاسی به وجود آورد و مَبْلَغ اندیشه اتحاد اسلامی گردید. در تحولات سیاسی مصر نقش مؤثر داشت. از آنجا به اروپا رفت و در لندن و پاریس مورد توجه مقامات سیاسی اروپا قرار گرفت.

در پاریس با همکاری شیخ محمد عبده مصری به انتشار روزنامه عُرُوَّة الوثقی پرداخته است. بعد به حجاز و تهران باز گشته و در آنجا مورد خشم ناصر الدین شاه قاجار قرار گرفته از ایران اخراج شده است؛ سپس به عراق و بصره و باز به اروپا رفته. بعد از مدتی سلطان عبدالحمید او را به ترکیه دعوت کرده و امید وار بوده از نفوذ او در اداره کشور های اسلامی امپراطوری

عثمانی بهره مند گردد.

سر انجام در سال ۱۳۱۴ هـ. ق. در استانبول وفات کرده و پیکرش در سال ۱۳۲۳ هـ. ش. به کابل آورده شده و در محوطه پوهنتون کابل دفن گردیده است. علامه سید جمال الدین افغانی در تمام عمرش خواستار اتحاد اسلامی و وحدت مسلمانان جهان بود و این فکر را می‌خواست از طریق سران کشور های اسلامی در عمل پیاده کند.

فعالیت داخل صنف



- یک شاگرد به پیشروی صنف آمده در مورد شخصیت علامه سید جمال الدین صحبت کند.

پرسش‌ها

- علامه سید جمال الدین افغانی در بیداری و اتحاد جهان اسلام چه نقشی بازی کرد؟

کارخانه‌گی



- شاگردان در مورد علامه سید جمال الدین معلومات جمع آوری کرده در کتابچه های شان بنویسند.

خلاصه فصل پنجم

ملکه گوهرشاد بیگم از ملکه های با فرهنگ و مدنیت پرور وطن عزیز ما بود که در ترویج و انکشاف علم و هنر، تشویق و حمایت دانشوران، معماران، ادیبان، هنرمندان و خوشنویسان توجه خاص داشت. مهد علیا گوهرشاد مدارس، مساجد و بناهای بی نظیری به سبک اسلامی و شرقی در هرات و مشهد اعمار کرده است که تا امروز پابرجاستند. شهزاده بایسنغر میرزا پسر این ملکه نامدار نیز شخصیت بزرگ فرهنگی و هنری کشور ماست.

اکادمی هنرستان هرات به ابتکار و تلاش این شهزاده هنرمند، پدر و مادرش اساس گذاشته شده است.

خوشحال خان خټک شاعر بزرگ ذواللسانین (پشتو و دری) حوزه بزرگ فرهنگی ماست.

خوشحال خان با شاه جهان پادشاه مغولی هند مناسبات نیکو داشت. او مُصنّف دوازده کتاب نظم و نثر است؛ کلیّات او مهم ترین تصانیف وی است.

مولانا جلال الدین محمد بلخی از مفاخر مشایخ حوزه فرهنگی ما بود. او دو اثر بزرگ و مشهور دارد که به نام های مثنوی معنوی و کلیات شمس شهرت دارد.

در مثنوی حکایت ها، طنزها، حکمت و پند فرهنگ جامعه مشرقزمین سروده شده است.

سید جمال الدین افغانی از ابرمردان علمی و سیاسی کشور ماست که در حوزه فرهنگی ما و جهان اسلام اندیشه ها و افکار او باعث نهضت و بیداری مسلمانان جهان گردید.

اهداف فصل ششم

در این فصل شاگردان با چند چهره و شخصیت ملی معاصر کشور آشنا می‌شوند و نقش آنها را در صحنه های سیاسی، فرهنگی و هنری کشور می‌دانند. شاگردان از اندیشه های سیاسی آنها در راه آزادی خواهی آگاه می‌شوند و می‌دانند که آن ها هم مردان سیاسی و نظامی بودند و هم دانشمند، ادیب علم دوست، ترقی خواه و مدنیت پرور. هر یک از این دانشمندان از مفاخر بزرگ سیاسی، ادبی و هنری کشور ما بودند.



فصل ششم رهبران و شخصیت های ملی معاصر

درس بیست و هفتم

غازی امان الله خان و محمود طرزی

- استقلال افغانستان را کدام پادشاه وطن ما به دست آورده است؟



تصویر (۵۸)

امان الله خان فرزند امیر حبیب الله خان است. او در سال ۱۸۹۲ میلادی در شهر کابل چشم به جهان گشوده و در سال ۱۹۱۸- م بعد از پدرش به سلطنت افغانستان رسید.

او در سال ۱۹۱۹- م استقلال وطن ما را به دست آورد.

در این سال ۱۹۱۹- م بنا به دعوت دولت ایتالیا به آن کشور، هند، ایران، ترکیه، انگلستان و بسیار کشورهای اروپایی مسافرت کرد و به حیث قهرمان آزادی بخش استقبال گردید.

این مسافرت مدت هشت ماه ادامه یافت و درغیاب

او شاه محمد ولی خان دروازی وزیر خارجه اش امور

سلطنت را به وجه احسن انجام داد.

مدنیت اروپا در طبع پادشاه جوان تأثیر عمیق به جای گذاشت و به مُجَرَّد عودت به کشور به یک سلسله اصلاحات شتابزده و بی موقع اقدام کرد که با مقتضیات آن وقت

جامعه ما هم آهنگی نداشت؛ بناءً با مخالفت بعضی از روحانیون و عده یی از مردم روبرو شد و در این مخالفت ها تحریکات بعضی از کشور های خارجی نیز دخیل بود. این عوامل سبب سقوط دولت وی گردید.

معهدا غازی امان الله خان علاوه از تحصیل استقلال کشور عزیز ما افغانستان کارهای عمده زیر را در دوران پادشاهی خود نیز انجام داده است.

تاسیس نظام دموکراسی، نشر جریده ارشادالنسوان، از بین بردن کار اجباری و بیگار، الغای برده گی، تاسیس مکتب حکام، تاسیس مکتب اصول دفتری، انفاذ قانون وظایف مامورین، قانون تشویق سرمایه گذاری، قانون فروش املاک دولتی، عصری شدن سیستم کهن مالیاتی، الغای گمرکات متعدد داخلی، ایجاد محاکم معاملات شرعی، تاسیس شرکت های ادویه - سازی و موتر و تجارتخانه ها، تاسیس قونسل گری ها و وکیل تجارها در کشور های همسایه، تمديد لین تیلیفون و تیلگراف در کابل و ولایات، ایجاد فابریکه های باروت سازی، گوگرد، برق، ترمیم موتر، صابون، عطرباب، نخ تابنی، پارچه بافی، نجاری، پنبه و روغن کشی در قندهار، مزار شریف و هرات.

ایجاد فابریکه قند سازی، بندهای آبگردان غازی و بند سراج وردک، تاسیس لیسه های استقلال و امانی در کابل، تاسیس مکاتب رشديه، غازی، تلگراف، رسامی، نجاری، معماری، زبانها، زراعت، دارالعلوم عربی، رشديه، مستورات جلال آباد، قندهار، هرات، دارالمعلمین هرات و امثال آن.

محمود طرزی

- پدر ژورنالیزم یعنی چه؟

محمود طرزی در سال ۱۲۴۴ هـ.ش. در غزنی تولد شده است پدرش غلام محمد خان طرزی به نسبت مخالفتش با امیر عبدالرحمن خان از جانب او به هند تبعید گردید که در



این وقت محمود طرزی شانزده ساله بود.

طرزی هم با خانواده خویش از طریق کویته به کراچی و بعد به بغداد، دمشق و سپس به قلمرو امپراطوری عثمانی مهاجرت کرده و با اکثر بزرگان ترک و عرب محصور شده است.

می گویند: محمود طرزی در همین اوقات با علامه سید جمال الدین افغانی آشنایی پیدا کرده مدت هفت ماه از صحبت او فیض برده است.

بعد محمود طرزی به اثر تقاضای امیر حبیب الله خان

خانواده خویش را از دمشق به کابل آورده. طرزی در زمان

تصویر (۵۹) محمود طرزی

وی جریده سراج الاخبار را تأسیس نمود و برای اولین مرتبه افکار

جدیدی را مطرح کرده و در قسمت شعر فارسی چنین گفته است:

وقت شعر و شاعری بگذشت و رفت وقت سحر و ساحری بگذشت و رفت

طرزی می خواست شعر را از قید زلف یار برهاند و در شعر از خط ریل، طیاره و کشتی های اقیانوس پیما سخن زده است.

طرزی در نثر ساده نویسی را تاکید کرده که به ادبیات ژورنالیستی معروف است.

طرزی که یک روشنفکر و روزنامه نگار ورزیده و معروف بود به این سبب او را پدر ژورنالیزم افغانستان می گفتند.

محمود طرزی شخصیت ملی و آزادی خواه بود و در جنبش مشروطیت دوم نقش به سزا داشت. او زیر عنوان «حی علی الفلاح» آزادی افغانستان را اعلان کرده است.

او بیش از پنجمصد مقاله در سراج الاخبار افغانیه نوشته و سی و یک رساله و کتاب منظوم و منثور به زبان فارسی- دری نوشته و منتشر کرده است. طرزی در عرصه های بیداری افکار

ملی، مبارزه با استعمار و ترویج فرهنگ و تمدن غرب تلاش زیاد به خرج داده است. طرزی به زبان های عربی، ترکی و اردو مسلط بود.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند یک گروه در مورد شخصیت محمود طرزی و دسته دیگر در مورد شخصیت غازی امان الله خان بین خود بحث کنند و نتایج بحث خود را با هم شریک سازند.

پرسش ها

- محصل استقلال کشور مان کدام پادشاه وطن ما بود؟
- محمود طرزی چگونه افکار جدید را به جامعه آن وقت افغانستان معرفی کرد؟
- محمود طرزی شاعران را به سرودن چه نوع شعر تشویق کرده است؟

کارخانه گی



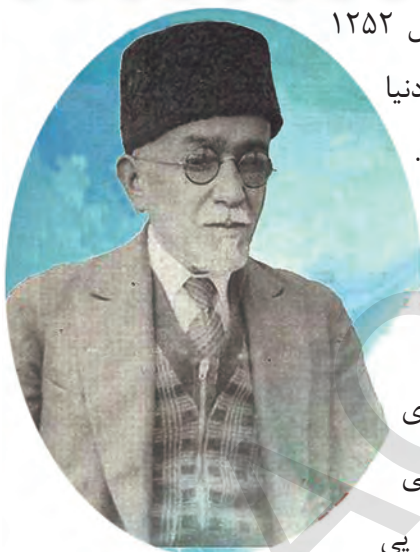
- شاگردان در مورد شخصیت محمود طرزی و نقش او در بیداری افکار مردم از طریق نشر سراج الاخبار، و نهضت امانی، از بزرگان خانواده خویش معلومات جمع آوری کرده در کتابچه های خویش بنویسند و به صنف بیاورند.



درس بیست و هشتم

پروفسور غلام محمد میمنه گی

- شما چند نقاش ماهر وطن خود را می شناسید؟



غلام محمد فرزند عبدالباقي مینگ باشی در سال ۱۲۵۲

هـ . ش . در شهر میمنه ولایت فاریاب چشم به دنیا

گشوده از طفلی آثارنبوغ در چهره اش هویدا بود.

او در سال (۱۲۵۸ هـ . ش .) با فامیل خود به کابل

آمده و در گذر قاضی فیض الله خان شهر قدیم

سکونت اختیار کرده است.

فامیل غلام محمد در کابل با سختی و دشواری

زنده گی به سر می برد، غلام محمد که استعداد نقاشی

فوق العاده داشت به منظور پیدا کردن کار عریضه یی

تصویر (۶۰)

نوشت و هم شکل پرنده یی را رسم کرد و ضمیمه آن به امیر

عبدالرحمن خان تقدیم نمود. پادشاه رسم او را پسندید و به حیث نقاش در بار پذیرفت.

دانش زرین گر شاعر وطن ما این واقعه را چنین منظوم کرده است:

شب چراغ دشت و دامان هنر

کودکی از کوردکستان هنر

قاصد شاه آمد و تصویر دید

پنسلک زد نقش زیبایی کشید

دید گنجشکی به سان اصل ذات

در خطوط صفحه پاک حیات

آفرین بادت بدین طبع بلند

گفت: به به مرحبا ای هوشمند

کوکب اقبال او بالا گرفت برمنیر قصر شاهی جا گرفت
از نویر برق او دلشاد شد طفلک دی سرور و اوستاد شد

غلام محمد که نقاشی ماهر و نابغه بود در دربار پورتريت امير عبدالرحمن خان و امير حبيب الله خان را در داخل يك جام شیشه يی به صورت کندنکاری برجسته و ساير منظره های مرغوب و دلپسند کار کرد.

بعدها غلام محمد نقاش به نسبت استعداد عالی و مهارت داشتن در هنر نقاشی از جانب امير امان الله خان غرض تحصیلات عالی در ساحة هنر به کشور آلمان اعزام گردید و مدت دو سال در آنجا به آموختن هنر نقاشی پرداخته با هنرمندان و آثار هنری شان از نزدیک آشنایی پیدا کرده است.

غلام محمد نقاش که در یونیورسیتی صنایع نفیسه برلین مدت دو سال به نقاشی و آموختن هنرهای پیشرفته آلمان پرداخت. در ختم تحصیلات با چهار صد نفر از شاگردان خارجی آن یونیورسیتی در امتحان اشتراک نمود و مقام اول را حایز گردید. از اینرو یونیورسیتی لقب پروفیسوری برایش اعطا کرد.

کسب عنوان پروفیسوری از طرف غلام محمد میمنه گی از یک کشور اروپایی افتخار بزرگ به وطن عزیز ما افغانستان بود.

حکایتی از مهارت نقاشی پروفیسور

می گویند وقتی پروفیسور از آلمان به وطن باز می گشت چند شبی در شهر ناپل ایتالیا توقف کرد، فردای روزی که خواست حرکت کند صبحگاهان بعد از صرف چای، در قاب روی میز رستوران نه سکه مروج (پوند) را رسم نمود و خود با دوستان حرکت کرد. پیشخدمت آمد که ظروف را جمع کند، چند سکه را در قاب دید خواست چند تای آنها بردارد، متوجه شد، که سکه های حقیقی نیست، بلکه رسم سکه هاست.

پروفسور غلام محمد میمنه گی نقاش ماهر و ورزیده وطن ما بود. او اساس یک جنبش بزرگ



تصویر (۶۱) نمونه نقاشی پروفسور

هنری را در افغانستان پایه گذاری کرد؛ چنان که در سال ۱۳۰۹ ه. ش. مکتب صنایع نفیسه را در کابل تاسیس نمود.

در مکتب صنایع نفیسه آن وقت شعبات ذیل افتتاح و تدریس می شد. نجاری، فوتوگرافی، معماری، خیاطی، تزیینات، لیتوگرافی، کاشی سازی، میناتوری، قالین بافی، مجسمه سازی، نقاشی، حکاکی، مهندسی، گلسازی، آتش بازی، کرسنل سازی، و عاج مصنوعی؛ هم چنان جیوه کاری آینه از شیشه و بلورهای کلان زیاده تر از یک متر به طور علمی به شیوه اروپایی و استعمال مصالح مخصوص ساخته می شد.

قابل تذکر است که در این مکتب علاوه از خود پروفسور، بیست و یک نفر استادان مسلکی افغان، روس، متخصصین جرمنی، چهار نفر معلمان قالین بافی از ایران، سرورگویا استاد زبان فارسی و استاد عبدالغفور برشنا استاد اناتومی و نقاشی تدریس می کردند.

می گویند وقتی پروفسور تصویر چهره امیر حبیب الله کلکانی را نظر به دستور او ترسیم

نمود، موصوف امر کرد یک همیانی زر به پروفیسور بدهند.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند یک گروه در مورد شخصیت پروفیسور غلام محمد میمنه گی و گروه دیگر در مورد مضامینی که در مکتب صنایع نفیسه تدریس می شد بین خود بحث کنند.

پرسش ها ؟

- پروفیسور غلام محمد میمنه گی چند سال در جرمنی تحصیل کرد و در آنجا به چه موفقیت هایی دست یافت؟

- چرا پیشخدمت رستوران شهر ناپل ایتالیا می خواست رسم سکه های پوند را بردارد؟

کارخانه گی



- شاگردان در مورد پروفیسور غلام محمد میمنه گی و استاد عبدالغفور بر بننا از اولیای خود معلومات به دست آورده، در کتابچه های شان بنویسند و به صنف بیاورند.

خلاصه فصل ششم

غازی امان الله خان بعد از وفات پدرش به پادشاهی افغانستان رسید. او محصل استقلال افغانستان است.

امان الله خان در سال ۱۹۱۹-م به هند، ایران، ترکیه، انگلستان و دیگر کشور های اروپایی مسافرت کرد و در هنگام مراجعت به کشور به یک سلسله نوآوری ها اقدام نمود؛ چون نوآوری هایش با مقتضیات اجتماعی آن وقت سازگاری نداشت با مخالفت ها رو به رو شد. غازی امان الله خان یک سلسله کارهایی به نفع مردم انجام داده است.

محمود طرزی را پدر ژورنالیزم افغانستان می گویند. در زمان امان الله خان جریده سراج الاخبار را تأسیس کرد. او یک شخصیت آزادی خواه بود. پروفیسور غلام محمد میمنه گی از نقاشان زبردست کشور ما بود. وی در هنر نقاشی بی نظیر بود. در جرمی تحصیلات عالی هنر نقاشی را به پایان رساند و در بین چهارصد نفر محصلین خارجی درجه اول را حایز شد. پروفیسور غلام محمد میمنه گی مکتب صنایع نفیسه را در کابل تأسیس کرد.

- ۱_ بنووال، پوهاند دکتور محمد افضل، فولکلور شناسی، چاپ بهار ۱۳۸۹ هـ.ش. انتشارات سعید.
- ۲_ بابرنامه، ظهیرالدین محمد بابرشاه بنیان گذار سلسلهٔ بابریان در هند، مشهور به مغولان هند.
- ۳_ شعور اسد الله، ترانه های گهسار.
- ۴_ عمید، حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، سال ۱۳۸۰.
- ۵_ فقیهی، فضل الرحمن، استاد پوهنتون هرات، کابل.
- ۶_ سیروف، احمد جان_ عاطف، عبدالحمید، قاموس مختصر فراز یولوژی دری با ترجمهٔ پشتو و اوزبیکي. از نشرات کمیتهٔ دولتی طبع و نشر.
- ۷_ مولانا جلال الدین محمد بلخی ثم الرومی، مؤسسهٔ انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۸_ دیوان حافظ شیرازی همراه با تفسیر فال گونهٔ کلیه غزلیات، ۱۳۸۱.
- ۹_ کلیات سعدی شیرازی بر اساس نسخهٔ محمد علی فروغی، ۱۳۸۵، هـ.ش.
- ۱۰_ گلاب زی، غلام سرور، د پیچ درې د پښتنو دودونه ۱۳۸۶ ل.
- ۱۱_ جامی، مولینا نور الدین عبدالرحمن، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۱۲_ حقل، محقق، بسم الله د تنیو کلتور او فولکلور، جدی ۱۳۸۳، حلیمی پرنتنگ ایجنسی.
- ۱۳_ مجلهٔ ستور، نشریهٔ وزارت خارجهٔ افغانستان.
- ۱۴_ ابوبکر، استاد قاری ابوبکر، هرات.
- ۱۵_ دیوان اشعار خوشحال خان خټک. ارمان خوشحال مقدمهٔ سید رسول رسا یونیورستی بک ایجنسی پېښور کال ۱۹۱۹-م.
- ۱۶_ غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، میزان ۱۳۴۶. دولتی مطبعه، کابل_ افغانستان.
- ۱۷_ فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر.
- ۱۸_ شهرانی، دکتور عنایت الله، شرح احوال و آثار پروفیسور غلام محمد میمنه گی.